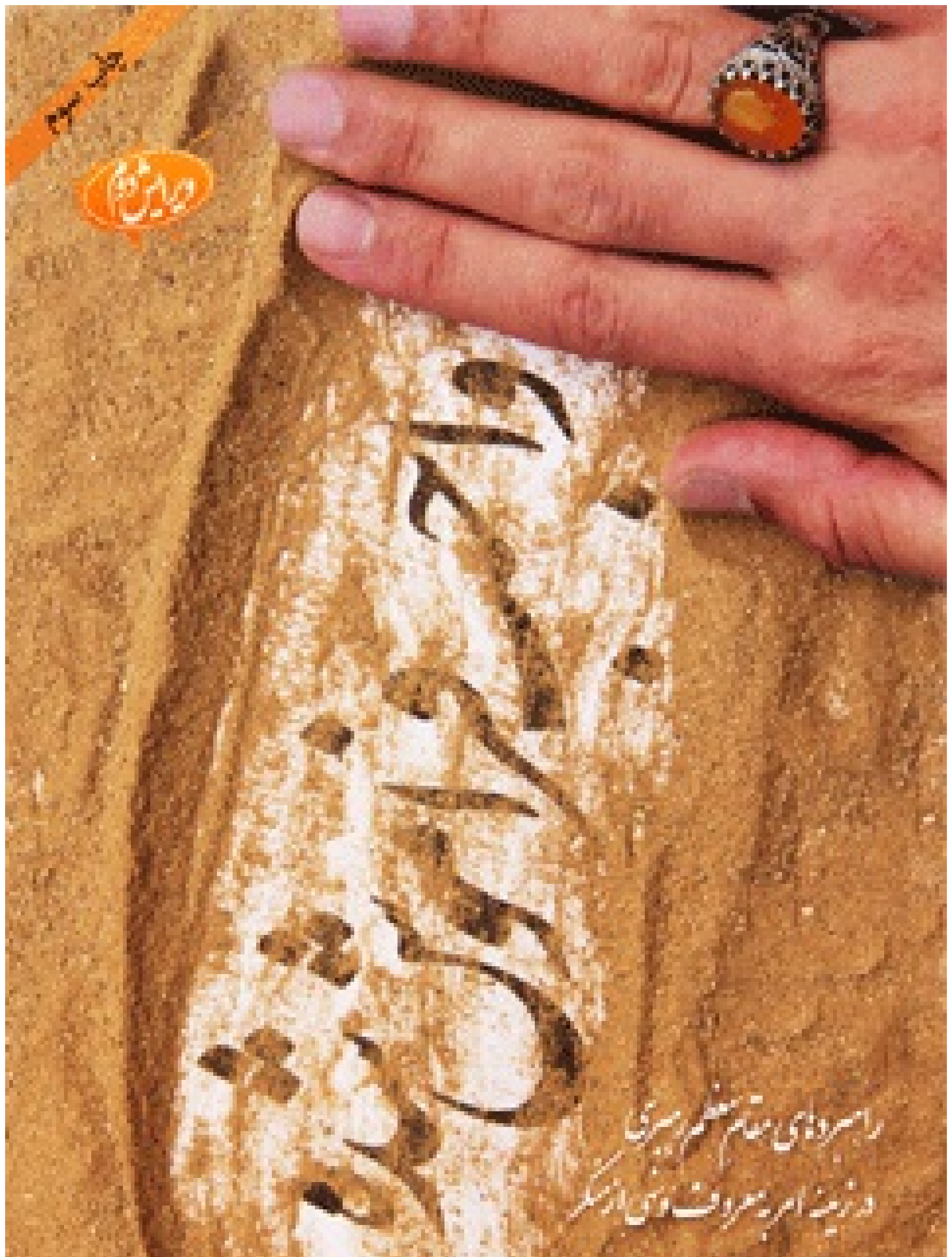

رهنمودهای مقام معظم رهبری
در زمینه امر به معروف و نهی از منکر

بسم الله الرحمن الرحیم

واجب فراموش شده: راهبردهای مقام معظم رهبری در زمینه امر به معروف و نهی از منکر

نویسنده:

سید علی خامنه ای

ناشر چاپی:

خیزش نو

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

واجب فراموش شده: راهبردهای مقام معظم رهبری در زمینه امر به معروف و نهی از منکر

مشخصات کتاب

سرشناسه : خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ –

عنوان و نام پدیدآور : واجب فراموش شده: راهبردهای مقام معظم رهبری در زمینه امر به معروف و نهی از منکر/ گردآورندگان حسین خادمی، حمیدرضا محمودخانی.

مشخصات نشر : تهران: خیزش نو، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۷۹ ص.؛ ۵/۱۴×۵/۲۰ س‌م.

شابک : ۲۵۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۷۸۲-۲-۰

وضعیت فهرست نویسی : فاپا(چاپ دوم)

یادداشت : چاپ اول : ۱۳۹۱(فیپا).

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۷۵ – ۷۹.

موضوع : خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ – -- نظریه درباره امر به معروف و نهی از منکر

موضوع : خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ – -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها

موضوع : امر به معروف و نهی از منکر

شناسه افزوده : خادمی، حسین، ۱۳۶۸ –، گردآورنده

شناسه افزوده : محمودخانی، حمیدرضا، ۱۳۶۸ –، گردآورنده

رده بندی کنگره : DSR۱۶۹۲ /الف۷۶و۲ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۴

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۸۸۱۳۸

مقدمه

خواستیم امر به معروف و نهی از منکر را بشناسیم و بدانیم وظیفه ما چیست. روزها به دنبال آیات و روایات گشتیم، رساله‌هارازیر و رو نمودیم، با اساتید مصاحبه نمودیم و از گروه‌های آمر و ناهی کسب تجربه کردیم. به حساب خود در دریای شناخت امر به معروف و نهی از منکر غرق شدیم. امّا آن گاه که به کلام ولی نگرستیم،یافتیم که از آن دریا جز قطره‌ای نفهمیده‌ایم. مبهوت بحر عمیق ریزبینی، ظرافت و فراست ایشان در آیات و روایات شدیم. گوشه‌ای نبود که ایشان اشاره نکرده باشند. کلامی که گام‌ها از آخرین تجارب گروه‌های آمر و ناهی جلوتر بود.

بنابراین این کتاب را با سیری موضوعی از بیانات مقام معظم رهبری در زمینه امر به معروف و نهی از منکر تهیه کردیم، باشد که در احیای این فریضه الهی قدمی برداشته باشیم.

با آرزوی توفیق الهی

گروه مؤلفان

آذر ۱۳۹۲

...

فصل اول: اهمیّت

برتر از جهاد

امر به معروف هم مثل نماز، واجب است. در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَ مَا أعْمَالُ الْبِرِّ کُلّهَا وَ الْجِهَادُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ إِلَّا کَنَفْثَهٍٔ فِی بَحْرٍ لُجِّی» یعنی امر به معروف و نهی از منکر، در مقیاس وسیع و عمومی خود، حتی از جهاد بالاتر است؛ چون پایه‌ی دین را محکم می‌کند. اساس جهاد را امر به معروف و نهی از منکر استوار می‌کند.

بِهَا تُقامُ الفَرَائِض

تمامی آحاد ملت مسلمان، در حفظ و حراست از احکام نورانی آن(اسلام) و سعی در گسترش و تعمیق آن(اسلام) در جامعه، دارای وظیفه‌ای بزرگند. امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپاداشتن همه‌ی فرایض اسلامی است، باید در جامعه‌ی ما احیا شود و هر فردی از آحاد مردم، خود را در گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد، مسؤول احساس کند.

شرط قوام حاکمیت اخیار

امروز فقط جنگ نظامی نیست؛ اما همه تهاجمهای دیگر، با شدّت کم سابقه‌ای وجود دارد. در مقابل این تهاجم، این جامعه اسلامی، باید زنده، هوشیار، آسیب ناپذیر، پرامید، آماده مقاومت، آماده ضربه زدن و به صورتِ یک موجود زنده مقاوم بماند و مقاومت کند. این، چگونه ممکن است؟ این است که بنده موضوع امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کردم. موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی، با انجام این تکلیف زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی، با امر به معروف و نهی از منکر است، که فرمود: اگر این کار نشود، آن وقت «لَیُسَلِّطَنَّ اللَّهُ عَلَیْکم شِرارَکم فَیَدْعُوا خِیارُکم فلا یُسْتَجابُ لَهُم»قوامحکومت اسلامی و بقای حاکمیت اخیار، به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر باشد.

فلسفه قیام حسین بن علی (ع)

حسین بن علی(ع)، در خود فهماند که برای دنیای اسلام در چنین شرایطی، مبارزه با اصل قدرت طاغوتی و اقدام برای نجات انسانها از سلطه شیطانی و اهریمنی این قدرت، واجب‌ترین کارهاست. بدیهی است که حسین بن علی(ع)، اگر در مدینه می‌ماند و احکام الهی را در میان مردم تبلیغ و معارف اهل بیت را بیان می‌کرد، عدّه‌ای را پرورش می‌داد. اما وقتی برای انجام کاری به سمت عراق حرکت می‌کرد، از همه این کارها بازمی‌ماند: نماز مردم را نمی‌توانست به آن‌ها تعلیم دهد؛ احادیث پیغمبر را نمی‌توانست به مردم بگوید؛ حوزه درس و بیان معارف او تعطیل می‌شد و از کمک به ایتام و مستمندان و فقرایی که در مدینه بودند، می‌ماند. این‌ها هرکدام وظیفه‌ای بود که آن حضرت انجام می‌داد. اما همه این وظایف را، فدای وظیفه مهم‌تر کرد. حتّی آن‌چنان که در زبان همه مبلّغین و گویندگان هست، زمان حجّ بیت‌اللّه و در هنگامی که مردم برای حج می‌رفتند، این، فدای آن تکلیف بالاتر شد.
آن تکلیف چیست؟ همان‌طور که فرمود، مبارزه با دستگاهی که منشأ فساد بود: «أرِیدُ أنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَی عَنِ الْمُنْکَرِ وَ أَسِیرَ

بِسیرَةِ جَدّی» یا آن‌چنان که در خطبه دیگری در بین راه فرمود: «ایها النّاس! انَّ رَسول اللَّه قَالَ مَنْ رَأی سُلْطَاناً جَائِراً مُسْتَحِلًّا لِحُرُم اللَّهِ نَاکِثاً لِعَهْدِ اللَّه...فَلَمْ یُغَیِّرْ بِفِعْلٍ وَ لَا قَوْلٍ کَانَ حَقاً عَلَی اللَّهِ أَنْ یُدْخِلَهُ مَدْخَلَه» یعنی اغاره یا تغییر، نسبت به سلطان ظلم و جور؛ قدرتی که فساد می‌پراکند و دستگاهی که انسانها را به سمت نابودی و فنای مادّی و معنوی می‌کشاند. این، دلیل حرکت حسین بن علی(ع) است، که البته این را، مصداق امر به معروف و نهی از منکر هم دانسته‌اند؛ که در باب گرایش به تکلیف امر به معروف و نهی از منکر، به این نکات هم باید توجّه شود. لذاست که برای تکلیف اهمّ، حرکت می‌کند و تکالیف دیگر را ولو مهم فدای این تکلیف اهمّ می‌کند. تشخیص می‌دهد که امروز، کار واجب چیست؟ هر زمانی، یک حرکت برای جامعه اسلامی متعیّن است.

چرا دشمن تا امروز نتوانسته است مویی از سر این ملت کم کند؟

ما دشمن زیاد داریم. چرا دشمن تا امروز نتوانسته است مویی از سر این ملت کم کند و به این کشور ضربه بزند؟ بحمد اللّه ایران اسلامی، با قدرت و صلابت کامل، در مقابل همه‌شان ایستاد و ایستاده است. چرا؟ ایران که همان ایران صد و پنجاه سال قبل است! این، به خاطر احساس وظیفه‌ی شما، به خاطر همین حضور شما، به خاطر همین روحیه‌ی حزب‌اللهی شما و به خاطر این است که زن و مرد مسلمان، تا همه جا حاضرند از ایمان و اسلام و انقلابشان دفاع کنند. این‌هاست که این کشور را حفظ کرده است. مگر طور دیگری می‌شود این کشور را، با این همه دشمن و بدخواه که چشم طمع به منابع زیرزمینی و بازارهای آن دوخته‌اند، حفظ کرد؟! مگر می‌شود در مقابل آن‌ها، بدون این روحیه مقاومت کرد؟! این گونه است که کشور حفظ می‌شود؛ با امر به معروف و نهی از منکر.

تنها دریچه‌ی امید

تنها دریچه‌ی امیدی هم که برای ملتهای مسلمان باقی مانده، جمهوری اسلامی است؛ آیا ما این دریچه را ببندیم و امید ملتها را کور کنیم؟ آیا ما هم سکوت کنیم؟ آیا ما هم در مقابل فشار قلدرمآبانه‌ی قدرتهای بزرگ تسلیم بشویم؟ آیا حکم خدا این است؟ آیا خدا به این راضی است؟ آیا سنت جهاد در مقابل ظلم، و امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، اجازه‌ی چنین فکری را به ما می‌دهد؟ حاشا و کلًّا. اینجا پرچم مبارزه‌ی با ظلم را حفظ خواهد کرد. ما در مقابل هر قدرت سلطه‌طلب و ستمگری که در برابر ملتها به سرنیزه‌ی خود تکیه می‌کند، می‌ایستیم؛ هرکس می‌خواهد باشد. امریکا که هیچ؛ اگر قدرت و دولتی قدرت‌مندتر از امریکا هم باشد، در مقابلش می‌ایستیم.

هیچ‌چیز دیگر نمی‌تواند مقابل انحرافات دنیای امروز بایستد

بعثت، امروز هم مورد نیاز است. بشریت امروز، هم باید از درون متحول و تزکیه شود و هم نظم اجتماعی‌اش نظم عادلانه و قسطآمیزی گردد. امروز در دنیا قسط نیست، عدالت نیست. ظلم است و دنیا را از ظلم نسبت به ملتهای مظلوم پر کرده‌اند. من به شما برادران عزیزی که مسؤولان جمهوری اسلامی هستید، یک جمله می‌خواهم عرض کنم: تنها شما می‌توانید در مقابل قدرتهای متکی به زور بایستید؛ مشروط به اینکه با همه‌ی وجود، پای احکام نجات‌بخش اسلام و تبعیت از احکام قرآنی بایستید و بی‌هیچ رودربایستی و بی‌هیچ ملاحظه از کسی، در این راه و صراط مستقیم حرکت کنید. آن‌وقت است که خوب می‌توانید ایستادگی کنید ... حتی با شعارهای شما هم دشمنند. آن‌ها شعار امر به معروف و نهی از منکر را تمسخر می‌کنند؛ شعار حزب‌اللهی گری را تمسخر می‌کنند و شما را متهم می‌نمایند. اما حقیقت این است که همان امر به معروف و نهی از منکر و همان حرکت حزب‌اللهی و همان پایبندی به اصول است که می‌تواند در مقابل انحرافها و خطاهای فاحش دنیای امروز بایستد. هیچ‌چیز دیگر نمی‌تواند. ملتها هم این را می‌خواهند.

تاریخ قصه نیست

عبرت ماجرای امام حسین(ع) این است که انسان فکر کند در تاریخ و جامعه‌ی اسلامی؛ ... چه حادثه‌ای اتّفاق افتاده و چه میکروبی وارد کالبد این جامعه شده است که بعد از گذشت نیم قرن از وفات پیامبر(ص) و بیست سال از شهادت امیرالمؤمنین(ع)، در همین جامعه و بین همین مردم، کسی مثل حسین بن علی(ع) را با آن وضع به شهادت می‌رسانند؟!
چه اتّفاقی افتاد و چطور چنین واقعه‌ای ممکن است رخ دهد؟ آن هم نه یک پسر بی‌نام و نشان؛ بل کودکی که پیامبر اکرم، او را در آغوش خود می‌گرفت، با او روی منبر می‌رفت و برای مردم صحبت می‌کرد. او پسری بود که پیامبر(ص) درباره‌اش فرمود: «حُسَینٌ مِنِّی وَ أَنَا مِنْ حُسَیْن» رابطه‌ی بین این پدر و پسر، این‌گونه مستحکم بوده است. آن پسری که در زمان حکومت امیرالمؤمنین(ع)، یکی از ارکان حکومت در جنگ و صلح بود و در سیاست مثل خورشیدی می‌درخشید. آن وقت، کار آن جامعه به جایی برسد که همین انسان بارز و فرزند پیامبر(ص)، با آن عمل و تقوا و شخصیت فاخر و عزّت و با آن حلقه‌ی درس در مدینه و آن همه اصحاب و یاران علاقه‌مند و ارادتمند و آن همه شیعیان در نقاط مختلف دنیای اسلام را، با آن وضعیت فجیع محاصره کنند و تشنه نگه دارند و بکشند و نه فقط خودش، بلکه همه‌ی مردانش و حتّی بچه‌ی شش‌ماهه را قتل عام کنند و بعد هم زن و بچه‌ی این‌ها را مثل اسرای جنگی اسیر کنند و شهر به شهر بگردانند. قضیه چیست و چه اتّفاقی افتاده بود؟ این، آن عبرت است. ....
یکی از مسائلی که عامل اصلی چنین قضیه‌ای شد، این بود که رواج دنیاطلبی و فساد و فحشا، غیرت دینی و حسّاسیتِ مسؤولیت ایمانی را گرفت.

مدینه مرکز معروف‌ترین رقّاصان

اینکه ما روی مسأله‌ی فساد و فحشا و مبارزه و نهی از منکر و این چیزها تکیه می‌کنیم، یک علّت عمده‌اش این است که جامعه را تخدیر می‌کند. همان مدینه‌ای که اوّلین پایگاه تشکیل حکومت اسلامی بود، بعد از اندک مدّتی به مرکز بهترین موسیقی‌دانان و آوازخوانان و معروف‌ترین رقّاصان تبدیل شد؛ تا جایی که وقتی در دربار شام می‌خواستند بهترین مغنّیان را خبر کنند، از مدینه آوازه خوان و نوازنده می‌آوردند!
این جسارت، پس از صد یا دویست سال بعد انجام نگرفت؛ بلکه در همان حول‌وحوش شهادت جگر گوشه‌ی فاطمه‌ی زهرا و نور چشم پیامبر(ص) و حتی قبل از آن، در زمان معاویه اتّفاق افتاد! بنابراین، مدینه مرکز فساد و فحشا شد و آقازاده‌ها و بزرگ‌زاده‌ها و حتی بعضی از جوانان وابسته به بیت بنی هاشم نیز، دچار فساد و فحشا شدند! بزرگان حکومت فاسد هم می‌دانستند چه کار بکنند و انگشت روی چه چیزی بگذارند و چه چیزی را ترویج کنند. این بلیّه، مخصوص مدینه هم نبود؛ جاهای دیگر هم به این‌گونه فسادها مبتلا شدند....
تمسّک به دین و تقوا و معنویّت و اهمیّت پرهیزکاری و پاک‌دامنی، اینجا معلوم می‌شود. اینکه ما مکرّر در مکرّر، به بهترین جوانان این روزگار که شما باشید، این همه سفارش و تأکید می‌کنیم که مواظب سیل گنداب فساد باشید، به همین خاطر است. ...... در کجا چنین جوانانی را سراغ داریم؟ نظیر این‌ها را خیلی کم داریم و در هیچ جای دنیا تعدادشان به این کثرت نیست. بنابراین، باید مواظب موج فساد بود.

عاقبت ترک امر به معروف و نهی از منکر

وقتی در جامعه گناه منتشر شود و مردم با گناه خو بگیرند، کار کسی که در رأس جامعه قرار دارد و می‌خواهد مردم را به خیر و

صلاح و معروف و نیکی سوق دهد، با مشکل مواجه خواهد شد؛ یعنی نخواهد توانست، یا به آسانی نخواهد توانست و مجبور است با صرف هزینه‌ی فراوان این کار را انجام دهد. یکی از موجبات ناکامی تلاشهای امیر مؤمنان(ع) با آن قدرت و عظمت در ادامه‌ی این راه، که بالاخره هم به شهادت آن بزرگوار منجر شد، همین بود.

ظلم‌های عجیب و غریب و استثنایی

روایتی که می‌خوانم، روایتِ تکان‌دهنده و عجیبی است. می‌فرماید: « لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَولَيُسَلِّطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُو خِيَارُكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُم»؛ بایـد امر به معروف و نهی از منکر رامیان خودتان اقامه کنید، رواج دهید و نسبت به آن پایبند باشید. اگر نکردید، خدا اشرار و فاسدها و وابسته‌ها را بر شما مسلّط می‌کند؛ یعنی زمام امور سیاست کشور به مرور به دست امثال حَجّاج بن یوسف خواهد افتاد! همان کوفه‌ای که امیرالمؤمنین(ع) در رأس آن قرار داشت و در آنجا امر و نهی می‌کرد و در مسجدش خطبه می‌خواند، به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر، به مرور به جایی رسید که حَجّاج بن یوسف ثقفی آمد و در همان مسجد ایستاد و خطبه خواند و به خیال خود مردم را موعظه کرد! حَجّاج چه کسی بود؟ حَجّاج کسی بود که خون یک انسان در نظر او، با خون یک گنجشک هیچ تفاوتی نداشت! به همان راحتی که یک حیوان و یک حشره را بکشند، حَجّاج یک انسان را می‌کشت. یک‌بار حَجّاج دستور داد و گفت همه‌ی مردم کوفه باید بیایند و شهادت بدهند که کافرند و از کفرِ خودشان توبه کنند؛ هرکس بگوید نه، گردنش زده می‌شود! با ترک امر به معروف و نهی از منکر، مردم این‌گونه دچار ظلمهای عجیب و غریب و استثنایی و غیر قابل توصیف و تشریح شدند. وقتی‌که امر به معروف و نهی از منکر نشود و در جامعه خلاف‌کاری، دزدی، تقلّب و خیانت رایج گردد و بتدریج جزو فرهنگ جامعه شود، زمینه برای روی کار آمدن آدم‌های ناباب فراهم خواهد شد.

ما هم دچار لعنت خدا خواهیم شد

تهدید خدا را کُند مشمارید، دیر شده ندانید. خداوند نسل گذشته‌ای را که پیش روی شما بودند از رحمت خود دور نساخت، مگر به خاطر آن‌که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. نسل گذشته ما از رحمت خدا دور شده بود. دچار نفرین و لعنت شده بود. اون نسلی که هم اسارت فکری داشت و هم اسارت مادی. هم اخلاقش فاسد شده بود، هم شکمش گرسنه بود، هم هیچ گونه اختیاری برای سرنوشت‌سازی خود نداشت. چرا این نسل گذشته ما که خود ما هم در آن نسل حضور داشتیم و در سرنوشت آنان شریک بودیم از رحمت خدا دور بودند؟ به خاطر اینکه امر به معروف و نهی از منکر نکردند. امروز اگر ما هم امر به معروف و نهی از منکر نکنیم، باید بدانیم با اینکه انقلاب کرده‌ایم و در قدم اول پیش رفته‌ایم، عقب خواهیم ماند و دچار لعنت خدا خواهیم شد. امروز بر ما هم لازم است که امر کنیم به نیکی و نهی کنیم از بدی. ...

«فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ الْقَرْنَ الْمَاضِيَ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لِتَرْكِهِمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ الْمَعَاصِي وَ الْحُلَمَاءَ لِتَرْكِ التَّنَاهِي»

اون کسانی که سبک‌سران جامعه بودند، گناه کردند، تن به پستی‌ها و رذالت‌ها دادند. تن به خودخواهی‌ها دادند. زندگی نقد خود را فقط خواستند. خدا به خاطر این عمل، اون‌ها را از رحمت خود دور کرد و بزرگان و زبدگان و اندیشمندان این جهالت مردم را دیدند و اون‌ها را بازنداشتند.

راه رسیدن به جامعه‌ی کاملًا اسلامی

ما هنوز تا یک جامعه‌ی کاملًا اسلامی که نیک‌بختی دنیا و آخرت مردم را به‌طور کامل تأمین کند و تباهی و کج‌روی و ظلم و

انحطاط را ریشه‌کن سازد، فاصله‌ی زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسؤولان طی شود و پیمودن آن، با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد.

نقش آفرینی دینی مردم برای ایجاد تمدن اسلامی

برای ایجاد یک تمدّن اسلامی – مانند هر تمدّن دیگر – دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. ... حال در آن‌جایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش‌آفرینان چه کسانی هستند. این نقش‌آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند. اینیک بُعد قضیه است. چون این راه جز با پای ایمان و نیروی ایمان و عشق طی‌شدنی نیست، باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند. بدون شک مدیران جامعه جزو نقش‌آفرینانند؛ سیاستمداران جزو نقش‌آفرینانند؛ متفکّران و روشنفکران جزو نقش‌آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند در خور استعداد خود نقش‌آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای این‌که بتوانند درست نقش‌آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند. سیاستمداران و فعّالان سیاسی در جامعه نیز همین‌طور. محیطهای گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین‌طور. ... البته در آحاد مردم هم نقش‌آفرینیِ دینی هست؛ از راه امر به معروف و نهی از منکر؛ از راه آماده‌سازی خود برای این‌که در یک جایگاهنقش‌آفرین قرار گیرند.

نمی‌گذارد دشمن پیروز شود

عوامل استکبار، امروز فیلم بد درست می‌کنند، نوار بد درست می‌کنند، حرفهای بد درست می‌کنند، شعر بد می‌گویند، داستان بد می‌نویسند و این همه را، در داخل کشور، بین نوجوانان، جوانان و مردم عادّی پخش و منتشر می‌کنند و یا از طریق ماهواره، رواج می‌دهند. این مورد اخیر– ماهواره– واقعاً گنداب فسادی است که تیرهای زهرآگین خود را به سمت ملتها و کشورها هدف‌گیری می‌کند. بحمد اللّه سال گذشته، مجلس شورای اسلامی، با حسن فهم قضیه، ماهواره را ممنوع کرد. با این همه، اگر در جامعه، به دستور اسلام و فرموده‌ی قرآن عمل شود، هیچ‌کدام از ابزار و عوامل فساد، نمی‌تواند کمترین اثری بکند. به معنای دقیق‌تر، توجّه از جوانب مختلف و امر به معروف و نهی از منکر، نمی‌گذارد دشمن پیروز شود. این است که جامعه‌ی اسلامی، یک جامعه‌ی ماندگار است. این است که «انّا نَحْنُ نَزَّلْنا الذِّكْرَ وَ انّا لَهُ لَحافِظُونَ» این است که «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» این است که «وَ الّذِينَ جاهَدُوا فِينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا»

فصل دوم: وجوب

واجب فراموش شده

ما باید خود را به سرچشمه‌ی اسلام برسانیم تا زندگی به تمامی شیرین شود. قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذينَ إِنْ مَكَّنّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَر» من می‌خواهم این واجب فراموش‌شده‌ی اسلام را به یاد شما و ملت ایران بیاورم: امر به معروف و نهی از منکر. همه‌ی آحاد مردم باید وظیفه‌ی امر کردن به کار خوب و نهی کردن از کار بد را برای خود قائل باشند. این، تضمین‌کننده‌ی حیات طیبه در نظام اسلامی خواهد بود. عمل کنیم تا آثارش را ببینیم.

معنای امر به معروف و نهی از منکر

البته ما بایـد تأسّف بخوریم از اینکه معنای امر به معروف و نهی از منکر درست تشـریح نمی‌شود. امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهـای نیـک امر کردن. نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهـای بـد نهی کردن. امر و نهی، فقـط زبـان و گفتـن است. البته یک مرحله‌ی قبل از زبان هم دارد که مرحله‌ی قلب است و اگر آن مرحله باشد، امر به معروفِ زبانی، کامل خواهد شد.

مسؤولیت انقلابی

چنـدی پیش گفتـم: «همـه امر بـه معروف و نهی از منکر کننـد» الآن هـم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنیـد. این، واجب است. این، مسؤولیت شرعی شماست. امروز مسؤولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست.

گفتن به زبان بر همه واجب است

امر به معروف، یـک مرحله‌ی گفتن و یـک مرحله‌ی عمـل دارد. مرحله‌ی عمـل، یعنی اقـدام بـا دست و بـا زور. این مرحله، امروز به عهـده‌ی حکومت است و بایـد بـا اجـازه‌ی حکومت انجـام بگیرد و لاـ غیر. امـا گفتن با زبان، بر همه واجب است و همه بایـد آن را بدون ملاحظه انجام بدهند.

واجب حتمی آحاد مردم و مسؤولان

یـک نکته را هم می‌خواهم یادآوری کنم و آن نظام امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر واجب حتمی همه است؛ فقط من و شما به عنوان مسؤولان کشور وظیفه‌مان در باب امر به معروف و نهی از منکر سنگین‌تر است.

پرهیجان‌ترین خطاب

بخش دیگری که بـاز آن را مختصـر عرض می‌کنم که مربـوط به عموم مردم است در درجه‌ی اوّل عبـارت است از امر به معروف و نهی از منکر در مسائـل اجتمـاعی. البته در مسائل فردی، تقوا بسـیار زیاد مورد توصـیه‌ی امیرالمؤمنین(ع) است؛ اما در زمینه‌ی مسائل اجتمـاعی شایـد هیـچ خطـابی به مردم شدیـدتر، غلیظ‌تر، زنـده‌تر و پُرهیجان‌تر از خطابِ امر به معروف و نهی از منکر نیست. امر به معروف و نهی از منکر، یک وظیفه‌ی عمومی است.

بر همه واجب است، مافوق و یا زیردست

یـک‌وقت دو نفر تـاجر و کاسـبند و باهم همکاری و رفاقت می‌کننـد، آن یک حکم دارد؛ یک‌وقت است که آن کسـی که مسؤول دولتی است و قدرت و اجازه و امضاء در دست اوست، با یک نفر رابطه‌ی ویژه برقرار می‌کند؛ این آن چیزی است که ممنوع و گناه و حرام اسـت و نهی از آن بر همـه‌ی کسـانی کـه این چیزهـا را فهمیده‌انـد در خـود آن اداره، در خـود آن بخش، بر مـا فـوق او، بر زیردست او واجب است؛ تا فضا برای کسی که اهل سوءاستفاده است، تنگ شود.

یکی از محورهای اصلی توصیه‌های امیرالمؤمنین

هرکسـی به هر طریقی که می‌توانـد؛ یـک مسؤول یـک طور می‌توانـد، یک مشتری نانوایی یک طور می‌توانـد، یک کارگر نانوایی طور دیگر می‌توانـد. طبق بعضـی از آمارهایی که به ما دادنـد، مقـدار ضایعات نان ما برابر است با مقـدار گنـدمی که از خارج وارد

کشور می‌کنیم! آیا این جای تأسّف نیست؟! همه‌ی این‌ها منکرات است و نهی از آن‌ها لازم است. طبق نهج البلاغه، امیرالمؤمنین(ع) نهی از این‌ها را یکی از محورهای اصلی توصیه‌های خود قرار داده است. در باب مسؤولان، آن‌طور مشی کردن و عمل کردن و دستور دادن و قاعده معیّن کردن؛ در باب عموم مردم هم آن‌ها را وادار کردن به حضور، به فعالیت و به احساس مسؤولیت در مسائل اجتماعی، با همین امر به معروف و نهی از منکر.

ندای خرد

هرچند فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر یکی از بزرگترین واجبات اسلامی است و توصیه به آن در قرآن و گفتارهای پیامبر خدا (ص) و امیر مؤمنان(ع)و دیگر امامان(ع) دارای لحنی کم‌نظیر و تکان‌دهنده است، ولی اگر کسی از این همه چشم‌پوشی کند و تنها به ندای خرد انسانی گوش بسپرد، بازهم بی‌شک این عمل سازنده را فریضه و تکلیف خواهد شمرد. به نیکی خواندن و از بدی برحذر داشتن را کدام خِرَدِ سالم، ستایش نمی‌کند؟ و کدام انسان خیرخواه و حسّاس، از آن روی می‌گرداند؟

باید بروید یاد بگیرید

مسأله‌ی امر به معروف و نهی از منکر، مثل مسأله‌ی نماز است. یاد گرفتنی است. باید بروید یاد بگیرید. مسئله دارد که کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؟

یک جاهایی بیان نکردن حرام است

اما نکته‌ی پایانی در این بحث امروز من(حدود آزادی بیان)، این است که اسلام یک خصوصیت دیگری دارد و او این است که یک جاهایی عدم بیان را اسلام ممنوع کرده. یعنی مسأله فقط این نیست که بیان کردن مجاز است، بلکه بالاتر از این بیان نکردن حرام است. یک جاهایی باید بیان کرد، آن جاهایی که کتمان حقیقت علیه مصالح نظام اسلامی است، علیه منافع رشد فکری جامعه است آن‌جا بیان واجب است. کتمان حقیقت حرام است، که این هم یکی از خصوصیات اسلام است که آیات فراوانی در قرآن دارد برادرانی که می‌خواهند دنبال کنند آیات بیان و تبین «لتبینه للناس و لاتکتمون» آیات کتمان اینها را ملاحظه می‌کنید در قرآن، خواهید دید که بیان کردن و ارائه‌ی حقیقت کردن در یک جاهایی این لازم است و این تضمین واقعی بقای نظام بر خط اسلام است. یعنی اگر مصالح نظام اسلامی و مصالح مسؤولین – مصالحی که ارتباط به اسلام دارد نه مصالح شخصی‌شان – آن قدر مهم است که یک جاهایی بیان کردن را غیرمجاز می‌کند اما همین نظام، همین دستگاه، همین مسؤولین اگر قرار شد از خط اسلام منحرف بشوند، اگر بنا شد که راه را عوضی بروند، اگر سرنوشت نظام اسلامی تهدید به انحراف از مبانی اسلامی شد، این‌جا تکلیف چیز دیگری می‌شود، این‌جا بیان کردن واجب است. امر به معروف و نهی از منکر لازم است. «نصیحهٔ الائمهٔ المسلمین» لازم است و افشای حقایق برای مردم لازم است که مجموعه‌ی اینها نظر اسلام را در باب بیان و آزادی اظهار عقیده روشن می‌کند.

فصل سوم: تأثیر

احتمال تأثیر همه جا قطعی است

بعضی گفته‌اند که باید احتمال تأثیر وجود داشته باشد. من می‌گویم احتمال تأثیر همه جا قطعی است؛ مگر در نزد حکومتهای قلدر، قدرتمندان و سلاطین. آن‌هایند که البته حرف حساب به گوششان فرونمی‌رود و اثر نمی‌کند؛ اما برای مردم چرا. برای مردم، حرف اثر دارد. بنابراین، پاسخ من این شد که بهترین روش برای شما که از من سؤال کردید، زبان است.

واقعاً معجزه می کند

من همین امر به معروف و نهی از منکر زبانی را - ولو به شکل خیلی راحت و آرام و بدون هیچ خشونت و دعوایی - واقعاً یکی از معجزات اسلام می‌دانم. مثلاً یک نفر کار خلافی می کند، می گویند آقا شما این کار را نباید می کردی. این مطلب را بگو و برو. می گوید او برمی گردد دو تا فحش به من می‌دهد. خیلی خوب؛ حالا دو تا فحش هم به شما بدهد؛ برای خاطر امر خدا تحمّل کنید. اگر نفر دوم هم بگوید آقا شما باید این کار را نمی کردی؛ بدانید اگر دعوا هم بکند، دعوایش کمتر از آنی است که با نفر اوّل کرده است. نفر سوم و نفر دهم و نفر بیستم هم همین‌طور. بنابراین، اگر نهی از منکر باب شد و تا نفر بیستم رسید، شما خیال می کنید آن آدم دیگر آن کار را تکرار خواهد کرد؟ نهی از منکر واقعاً معجزه می کند. فقط هم زبانی؛ یدیش در اختیار حکومت است؛ یعنی اگر جایی باید با گناهکار به صورت یدی و مجازاتی برخورد کنند، فقط دستگاههایی از حکومت هستند که مسؤول این کارند؛ مردم نباید بکنند. اما زبانی چرا؛ خیلی هم اثر دارد.

انزوای گناه

گفتن گناه به گناهکار با زبان خوش و با لحن مناسب و در جایی هم با زبان تند- در مواردی که مفسده‌یی به وجود نیاید- گناه را در جامعه کم خواهد کرد و به ضعف و انزوا خواهد انداخت. چرا ما از این موضوع غافلیم؟ همه‌ی آحاد مردم، در محیط کسب و خانه و جمع دوستان و در محیط درس و دانشگاه و کلًا در هرجایی که هستند، اگر خلافی را دیدند، به خلاف کار بگویند: این، از نظر اسلام خلاف است؛ چرا انجام می‌دهی؟ گفتن همین یک کلمه مؤثر است. اگر زبانهای گوناگون و نَفَسهای مختلف گناه را تذکر بدهند، گناهکار به طور غالب از گناه و تخلف دست خواهد کشید؛ چه این تخلف، تخلف شرعی و چه تخلف از قوانین باشد.

در سطح جهانی هم همین‌طور است. حتّی همین شقاوتمندهایی که امروز بر سیاستهای بزرگ جهانی حاکم هستند، اگر ملتها به آن‌ها می گفتند و اعتراض می کردند، قدری از شقاوت خود می کاستند. امروز شما ببینید که سیاستهای قدرتمند عالم چه می کنند؟ ببینید قدرت امپراتوری مجهز به زر و زور امریکا، با ملتها و دولتها و ارزشها و ثروتهای مردم در سراسر دنیا چه می کند؟

امر و نهی ارزشمندتر

کار نیکی که مخاطب خود را به آن امر می کنیم و رفتار زشتی که وی را از آن برحذر می‌داریم، هرچه بزرگتر و تأثیر اجتماعی یا فردی آن ژرف‌تر و ماندگارتر باشد، امر به معروف و نهی از منکر ما ارزشمندتر است.

کمک به محدود کردنِ بدی و شرّ

اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن شود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است و بعضی افراد دیگر درنمی‌آیند بگویند «آقا! این فضولی کردن است»! نه؛این همکاری کردن است؛ این نظارتِ عمومی است؛ این کمک به شیوعِ خیر است؛ این کمک به محدود کردنِ بدی و شرّ است؛ کمک به این است که در جامعه‌ی اسلامی، گناه، همیشه گناه تلقّی شود.

نگذاریم «منکر» «معروف» و «معروف» «منکر» شود

یکی از عواملی که در جامعه از بدیها جلوگیری می کند، نهی از منکر و منکر ساختن منکر است. نگذاریم «منکر» «معروف» و

«معروف» «منکر» شود.

بنابراین اوّلین فایده‌ی امر به معروف و نهی از منکر همین است که نیکی و بدی، همچنان نیکی و بدی بماند.

گناه همیشه گناه بماند

بدترین خطرها این است که یک روز در جامعه، گناه به عنوان ثواب معرفی شود؛ کار خوب به عنوان کار بد معرفی شود و فرهنگها عوض شود. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رایج شد، این موجب می‌شود که گناه در نظر مردم همیشه گناه بماند و تبدیل به ثواب و کار نیک نشود. بدترین توطئه‌ها علیه مردم این است که طوری کار کنند و حرف بزنند که کارهای خوب کارهایی که دین به آن‌ها امر کرده است و رشد و صلاح کشور در آن‌هاست در نظر مردم به کارهای بد، و کارهای بد به کارهای خوب تبدیل شود. این خطرِ بسیار بزرگی است.

فسادی از این بالاتر در این دنیا نیست

کار دنیا به جایی رسیده است که قدرتهای زورگوی عالم، جلوِ چشم مردم دنیا، معروف را منکر و منکر را معروف می‌کنند! به نظر من، در عالمِ فساد و تباهی بشریّت، هیچ‌چیز دیگر بالاتر از این نیست. اینکه پیغمبر اکرم طبق روایت فرمود: «کسانی پیدا خواهند شد که امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند» و مردم که تعجّب کردند، فرمود: «منکر معروف خواهد شد»؛ انسان احساس می‌کند که امروز هم در دنیا چنین وضعی را دستِ قدرتِ مادّیِ استکباریِ لجام‌گسیخته‌ی متکبّرِ متفرعنِ زورگویِ استکبار به وجود می‌آورد. روراست به مردم دروغ می‌گویند و این دروغ را یک کار مقدّس می‌شمارند! ظلم را تشویق می‌کنند و ظالم را به خاطر این ظلم، ذی‌حق به حساب می‌آورند! مظلوم را نکوهش می‌کنند و بر سر مظلوم می‌زنند و این بر سر مظلوم زدن را کاری خوب به شمار می‌آورند!

نقش تربیتی امر به معروف در سیر لقاءالهّی

افراد بشر مثل کسانی هستند که برای گذراندن دوره‌ای، به اردوگاهی برده می‌شوند.... اینجا، همان اردوگاه بزرگ است.... برای ما در این اردوگاه، برنامه‌هایی قرار داده شده است که با آن می‌توانیم خود را بالاتر ببریم و بسازیم و آماده‌ی ورود به سر منزل نهایی و حقیقی آفرینشِ انسان کنیم، که همان لقاء للّه است.... بعضی از این برنامه‌ها، از لحاظ معنوی و روحی و قلبی، رابطه‌ی انسان با خدای متعال را برقرار می‌دارد؛ مثل نماز و ذکر و توجّه و تضرّع و توسّل به پروردگار و... . بعضی از برنامه‌ها، اخلاقیّات و ملکات انسان را تصحیح و عیوب را از روح انسان برطرف می‌کند؛ مثل دستورهای اخلاقی... بعضی از برنامه‌ها، روابط فردی و اجتماعی ما را با انسان‌هایی که در این جهان و اردوگاهِ بزرگ هستند، تنظیم می‌کند. حتّی رابطه‌ی ما با اشیاء و حیوانات را... بعضی از این برنامه‌ها، فضای زندگی را قابل زیست می‌سازد؛ مثل برنامه‌ی حکومت، تشکیل دولت، امر به معروف و نهی از منکر، دشمنی با ستمگران، خوبی و نیکی با مردمان صالح و مؤمن، کمک به اصلاح امور عمومی جهان و جامعه، کمک به از بین بردن فقر و دیگر برنامه‌هایی که مربوط به سطح جهان و محیط زندگی و جوامع است.

خودسازی در عرصه سیاسی

ببینید؛ یک انسان(امام حسین(ع))، هم در تلاش نفسانی و شخصی- تهذیب نفس- آن حرکت عظیم را می‌کند؛ هم در صحنه و عرصه‌ی فرهنگی، که مبارزه‌ی با تحریف، اشاعه‌ی احکام الهی و تربیت شاگرد و انسانهای بزرگ است و هم در عرصه‌ی سیاسی

که امر به معروف و نهی از منکر است. بعد هم مجاهدت عظیم ایشان، که مربوط به عرصه‌ی سیاسی است. این انسان، در سه عرصه مشغول خودسازی و پیشرفت است. عزیزان من! این انسان الگوست، لحظه‌ای نباید متوقّف شد.

بهترین دفاع، حمله است

باید دائم در حال پیشرفت بود؛ چون دشمن منتظرِ خاکریز نرم است که نفوذ کند. دشمنمنتظر توقّف است تا حمله کند. بهترین راه برای متوقّف کردن حمله‌ی دشمن و بر هم زدن آرایش او، حمله‌ی شماست. پیشرفت شما حمله به دشمن است.

شکست ناپذیر

عوامل بقا را در اسلام مشاهده کنید! یکی از عوامل بقا، همین عاشوراست. یکی از عوامل بقا، امر به معروف و نهی از منکر است. ... نظام و جامعه‌ی اسلامی، اگر خود را به گونه‌ای که اسلام فرموده است شکل دهد، و عوامل بقا را در خود فراهم کند، هیچ نیرویی در دنیا قادر به مقابله با آن نخواهد بود؛ نه نیروی مادّی و نه نیروی نظامی، که پیوسته تهدید می‌کنند هواپیما می‌آید؛ موشک می‌آید، چه می‌آید، چه می‌آید. مگر می‌توانند؟! ... البته، شرط ناکامی و ناتوانی استکبار این است که در اینجا، همان‌گونه که اسلام فرموده است، عمل شود. یعنی: «ادْعُ الی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِٔ وَ الْموعِظَهِٔ الْحَسَنَهِٔ». در این صورت، حتّی با ابزارهای فساد هم نخواهد توانست کاری کند.

لبیک گویان دعوت به امر به معروف

هنگامی که به این وظیفه عمل شود، به تعداد آمران و ناهیان، دعوت به خیر در میان مردم صورت می‌گیرد، و بی‌گمان لبیک‌گویانِ به این دعوت نیز کم نخواهند بود. این فراخوانی، بگمان زیاد بر خود داعیان نیز نشانه‌ی نیک بر جای می‌گذارد و از دو سو راه صلاح را هموار می‌سازد.

نظام همیشه جوان

من و شما به عنوان مسؤولان کشور وظیفه‌مان در باب امر به معروف و نهی از منکر سنگین‌تر است. باید از شیوه‌ها و وسایلِ مناسب استفاده کنیم؛ اما آحاد مردم هم وظیفه دارند. با چهار تا مقاله در فلان روزنامه، واجب امر به معروف نه از وجوب می‌افتد، نه ارزش تأثیرگذاریش ساقط می‌شود. قوام و رشد و کمال و صلاح، وابسته‌ی به امر به معروف و نهی از منکر است. این‌هاست که نظام را همیشه جوان نگه می‌دارد. حال که نظام ما بیست و یک‌ساله و جوان است و در مقایسه‌ی با نظام فرتوت هفتاد و چندساله‌ی پیر کمونیستی در شوروی به طور طبیعی هم جوان است؛ اما اگر صد سال هم بر چنین نظامی بگذرد، چنانچه امر به معروف باشد و شما وظیفه‌ی خودتان بدانید که اگر منکری را در هر شخصی دیدید، او را از این منکر نهی کنید، آنگاه این نظام اسلامی، همیشه تروتازه و باطراوت و شاداب می‌ماند.

حکومت صالحان

چنین است که عمل به این وظیفه، تضمین‌کننده‌ی دوام و استحکام حکومت صالحان است، و رهاکردن و به فراموشی سپردن آن، زمینه سازِ سلطه‌ی اشرار و نابکاران.

نمی‌گویید، خیال می‌کنید نمی‌شود

سؤال:لطفاً بفرمایید آیا در زمینه فرهنگی، اقدام انقلابی را صلاح می‌دانید؟ به عبارت دیگر، در زمینه فسق و فجور، آیا برخورد فیزیکی را در مواردی که مسؤولان کوتاه آمده و به وظیفه خود عمل نمی‌کنند، صلاح می‌دانید؟

جواب:نه. شما شرعاً به‌هیچ‌وجه موظّف به برخورد فیزیکی با منکر نیستید؛ شما فقط موظّف به گفتن هستید. شما چه‌کار دارید؛ حرف خود را بگویید. شما نمی‌گویید، خیال می‌کنید که اگر بگویید، نمی‌شود. امتحان کنید، بگویید؛ بارها هم بگویید. البته یک نفر بگوید، معلوم است که اثر نمی‌کند. دیگران را وادار کنید بگویند. خودِ گفتن، اثرش به مراتب از مشت بیشتر است؛ حتّی گاهی از اخم هم اثرش بیشتر است؛ با این‌که اخم اثر سازنده دارد و مثل مشت نیست. به‌هرحال، در نهی از منکر، اگر برخورد فیزیکی لازم باشد، کار حکومت است، نه کار مردم.

...

...

فصل چهارم: شیوه صحیح

فراخواندن به راه خدا با حکمت

قرآن می‌فرماید: «ادْعُ إِلی سَبیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ » حکمت، حکمت، حکمت. اندیشه‌ی مستحکم را تعبیر به حکمت می‌کنند. حکمت، که انبیا به آن ممتازند و از آنِ بندگان برگزیده و صالح است، همان فکر مستحکمی است که هیچ ابزار عقلانی نمی‌تواند آن را نفی کند و از بین ببرد. هیچ استدلال و تجربه‌ای هم نمی‌تواند آن را خنثی کند. شما در قرآن به آیاتی که حکمت را معیّن می‌کند، بنگرید، و ببینید چه چیزهایی است: «ذلِکَ مِمَّا أَوْحی إِلَیْکَ رَبُّکَ مِنَ الْحِکْمَهِ» چیزهایی است که اگر بشریت تا ابد هم تلاش کند، نمی‌تواند آن‌ها را رد کند. هیچ منکری، هیچ مغرضی، هیچ معاندی نمی‌تواند در ردّ آن‌ها بکوشد. حکمت یعنی مستحکم‌ترین افکار و اندیشه‌ها. اینکه حکما، حکمت را «صیرورهٔ الانسان عالماً مُضاهیاً للعالم الحِسّی» می‌گویند، همان است. یعنی چنان افکار برجسته و مستحکم و غیر قابل خدشه‌ای در روح او- بنده‌ی برگزیده و صالح- گسترش پیدا کرده است، که خود تبدیل به یک عالَم شده است و شما می‌توانید کون را وجود را، و همه‌ی گیتی را در سخن او، در اشاره‌ی او و در اقدام او مشاهده کنید.

این، حکمت است. آن وقت «ادْعُ إِلی سَبیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ» این‌گونه مردم را به سوی خدا دعوت کنید. «وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتی هِیَ أَحْسَن» این هم هست. یعنی این‌ها عوامل بقاست. این‌ها هست که تفکر اسلامی تا امروز توانست بماند.

امر و نهی صادقانه

وقتی‌که شما برای کمک به نظام اسلامی مردم را به نیکی امر می‌کنید مثلًا احسان به فقرا، صدقه، رازداری، محبّت، همکاری، کارهای نیک، تواضع، حلم، صبر و می‌گویید این کارها را بکن؛ هنگامی که دل شما نسبت به این معروف، بستگی و شیفتگی داشته باشد، این امر شما، امر صادقانه است. وقتی کسی را از منکرات نهی می‌کنید مثلًا ظلم کردن، تعرض کردن، تجاوز به دیگران، اموال عمومی را حیف و میل کردن، دست درازی به نوامیس مردم، غیبت کردن، دروغ گفتن، نمّامی کردن، توطئه کردن، علیه نظام اسلامی کار کردن، با دشمن اسلام همکاری کردن و می‌گویید این کارها را نکن؛ وقتی‌که در دل شما نسبت به این کارها بغض وجود داشته باشد، این نهی، یک نهی صادقانه است و خود شما هم طبق همین امر و نهیتان عمل می‌کنید. اگر خدای نکرده دل با زبان همراه نباشد، آن‌گاه انسان مشمول این جمله می‌شود که«لَعَنَ اللّهُ الْآمِرِینَ بِالْمَعْرُوفِ التَّارِکِینَ لَه». کسی که مردم را به نیکی امر می‌کند، اما خود او به آن عمل نمی‌کند؛ مردم را از بدی نهی می‌کند، اما خود او همان بدی را مرتکب می‌شود؛ چنین

شخصی مشمول لعنت خدا می‌شود و سرنوشت بسیار خطرناکی خواهد داشت.

با رفق و مدارا

در خصوص امر به معروف و نهی از منکر حدیثی دیدم که از جمله چیزهایی که برای آمر به معروف و ناهی از منکر ذکر می‌کند، «رَفِيقٌ فِيمَا يَأْمُرُ وَ رَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى» بود. آن جایی که جای رفق است که غالب جاها هم از این قبیل استانسان باید با «رفق» عمل کند؛ برای اینکه بتواند با محبّت آن حقایق را در دلها و در ذهنها جا بدهد و جایگزین کند. تبلیغ برای این است؛ برای زنده کردن احکام الهی و اسلامی است.

با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت

خودتان رامجهز کنید،مسلح به سلاح معرفت واستدلال کنید،بعدبه این کانون‌های فرهنگی - هنری برویدوپذیرای جوان‌ها باشید. باروی خوش هم پذیرا باشید؛باسماحت،بامدارا. فرمود: «وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ»،که ظاهراًعبارت است از «مُدَارَاةُ النَّاس»؛مداراکنید. ممکن است ظاهرزننده‌ای داشته باشد؛داشته باشد. بعضی ازهمین‌هایی که دراستقبال امروزبودند،خانم‌هایی بودندکه درعرف معمولی به آنها می‌گویند «خانم بدحجاب»؛اشک هم ازچشمش داردمی‌ریزد. حالاچه کارکنیم؟ردش کنید؟مصلحت است؟حق است؟نه،دل،متعلق به این جبهه است؛جان،دلباخته‌ی به این اهداف و آرمانها ست. او یک نقصی دارد. مگرمن نقص ندارم؟نقص اوظاهراست،نقص‌های این حقیرباطن است؛نمی‌بینند. «گفتا شیخ اهرآنچه گویی هستم / آیاتوچنان که می‌نمایی هستی؟». ماهم یک نقص داریم،اوهم یک نقص دارد. بااین نگاه وبااین روحیه برخوردکنید. البته انسان نهی ازمنکرهم می‌کند؛نهی ازمنکربازبان خوش،نه باایجادنفرت.

سلاح زبان

پس، بینش سیاسی لازم است؛ اما همه چیز نیست؛ اصل قضیه، آن ایمان الهی معنوی است که باید در دلهای شما باشد؛ خودتان را دینی بسازید. جوانان در محیط خودشان، امر به معروف و نهی از منکر کنند. چرا این واجب امر به معروف، امر به کارهای خوب در جامعه‌ی اسلامی هنوز اقامه نشده است؟ نگویید به من چه؛ او هم نمی‌تواند بگوید به تو چه؛ اگر هم گفت، شما اعتنا نکنید. بعضی خیال می‌کنند تا منکری دیده شد، باید با مشت به سراغش بروند! نه، ما سلاحی داریم که از مشت کارگرتر است. آن چیست؟ سلاح زبان. زبان از مشت خیلی کارگرتر و نافذتر و مؤثرتر است؛ مشت کاری نمی‌کند.

لازم نیست سخنرانی بکنید

بعضی جوانان به ما نامه می‌نویسند که اجازه بدهید ما با این تظاهرات منکراتی، مقابله و مبارزه کنیم. خیلی خوب، مقابله بکنید؛ اما چطور؟ بریزید، طرف مقابل را تکه پاره کنید؟! نه، این نیست. حرف بزنید، بگویید؛ یک کلمه بیشتر هم نمی‌خواهد؛ لازم نیست یک سخنرانی بکنید. کسی که می‌بینید خلافی را مرتکب می‌شود دروغ، غیبت، تهمت، کین‌ورزی نسبت به برادر مؤمن، بی‌اعتنایی به محرّمات دین، بی‌اعتنایی به مقدسات، اهانت به پذیرفته‌های ایمانی مردم، پوشش نامناسب، حرکت زشت، یک کلمه‌ی آسان بیشتر نمی‌خواهد؛ بگویید این کار شما خلاف است، نکنید؛ لازم هم نیست که با خشم همراه باشد. شما بگویید، دیگران هم بگویند، گناه در جامعه خواهد خشکید.

نهی از منکر زبانی عامل اصلاح جامعه

البته من عرض می‌کنم قبلًا هم گفته‌ام در جامعه‌ی اسلامی، تکلیف عامه‌ی مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان است؛ با زبان. اگر کـار به برخورد بکشـد، آن دیگر تکلیف مسؤولین است. آن‌ها بایـد وارد شونـد. اما امر به معروف و نهی از منکر زبانی، مهم‌تر است. عاملی که جامعه را اصـلاح می‌کند، همین نهی از منکر زبانی است. به آن آدم بدکار، به آن آدم خلاف‌کار، به آن آدمی که اشاعه‌ی فحشا می‌کنـد، به آن آدمی که می‌خواهـد قبـح گناه را از جامعه ببرد، مردم بایـد بگوینـد. ده نفر، صـد نفر، هزار نفر! افکار عمومی روی وجود و ذهن او بایـد سـنگینی کنـد. این، شـکننده‌ترین چیزهاست. همین نیروهای مؤمن و بسیجی و حزب‌اللهی؛ یعنی همین عامه‌ی مردم مؤمن؛ یعنی همین اکثریت عظیم کشور عزیز ما؛ همینهایی که جنگ را اداره کردند؛ همینهایی که از اول انقلاب تا به حال با همه‌ی حوادث مقابله کردند، در این مورد مهم‌ترین نقش را می‌توانند داشته باشند.

بزرگترین حربه

امر به معروف و نهی از منکر یـک واجب است که رودربـایستی و خجـالت برنمی‌دارد. مـا گفتیم اگر دیدیـد کسـی مرتکب خلافی می‌شود، امر کنیـد به معروف و نهی کنیـد از منکر. یعنی به زبـان بگوییـد. نگفتیم مشت و سـلاح و قوّت به کـار ببریـد. این‌هـا لازم نیست. خـدای متعـال که این واجب را بر ما مسـلمانان نازل فرموده است، خودش می‌دانـد مصـلحت چگونه است. ما هم تا حـدودی حکم و مصالـح الهی را درک می‌کنیم. بزرگترین حربه در مقابل گناهکار، گفتن و تکرار کردن است. اینکه یک نفر بگویـد اما ده نفر سـاکت بنشـینند و تماشـا کننـد، نمی‌شود. اگر یکی دچار ضـعف نفس بشود، یکی خجالت بکشـد و یکی بترسـد، اینکه نهی از منکر نخواهد شد.

تکرار شکننده است

در مقابل این منکرات، عامل بازدارنـده، نهی است؛ نهی از منکر. بگوییـد: «آقا، نکن.» این تکرارِ «نکن» برای طرف مقابل، شـکننده است. این نکته‌ی اول؛ که نهی از منکر، اراده و تصمیم و قدرت و شجاعت لازم دارد، که بحمد اللّه، در قشرهای مردم ما و در زن و مرد ما وجود دارد. باید آن را به کار بگیرید. منتظر نباشید که دستگاه‌ها بیایند و کاری بکنند.

بهترین شیوه‌ی برخورد با منکرات چیست؟

بسـتگی به این دارد که چه کسـی بخواهـد برخورد کنـد. اگر شـما بخواهیـد برخورد کنیـد، «زبـان» است. شـما به غیر از زبـان، هیچ تکلیـف دیگری نداریـد. نهی از منکر برای مردم، فقـط زبـانی اسـت. البتـه برای حکـومت، این‌طـور نیست. اگر منکر بزرگی باشـد، برخورد حکومت احیاناً ممکن است برخورد قانونی و خشن هم باشد؛ لیکن نهی از منکر و امر به معروفی که در شـرع مقدّس اسلام هست، زبان است؛ «إنَّمَا هِیَ اللِّسَان».

مؤثرتر از مشت پولادین حکومتها

تعجّب نکنیـد. من به شـما عرض می‌کنم که تـأثیر امر و نهی زبـانی اگر انجـام گیرد از تأثیر مشت پولادین حکومتها بیشتر است. من چنـد سال است که گفته‌ام امر به معروف و نهی از منکر. البته عـدّه‌ای این کار را می‌کننـد؛ اما همه نمی‌کننـد. همه تجربه نمی‌کنند، می‌گویند آقا چرا اثر نمی‌کند؛ تجربه کنید. منکری را که دیدید، با زبان تذکّر دهید. اصلًا لازم هم نیست زبان گزنده باشد و یا شما

برای رفع آن منکر، سخنرانی بکنید. یک‌کلمه بگویید: آقا! خانم! برادر! این منکر است. شما بگویید، نفر دوم بگویید، نفر سوم بگوید، نفر دهم بگوید، نفر پنجاهم بگوید؛ کی می‌تواند منکر را ادامه دهد؟

بارها گفته شود

نهی از منکر کردن، مثل این است که بگویید آقا چرا این کار را می‌کنی؟ این چه حرکت بدی است که انجام می‌دهی؟ یک نفر بگوید، دو نفر بگویند، ده نفر بگویند؛ بالاخره طرف مجبور می‌شود ترک کند؛ یعنی اگر بارها گفته شد، روحاً مغلوب می‌گردد.

خواهش ممنوع

طرف امر به معروف و نهی از منکر فقط طبقه‌ی عامه‌ی مردم نیستند؛ حتی اگر در سطوح بالا هم هستند، شما باید به او امر کنید؛ نه اینکه از او خواهش کنید؛ باید بگویید: آقا! نکن؛ این کار یا این حرف درست نیست. امر و نهی باید با حالت استعلاء باشد. البته این استعلاء معنایش این نیست که آمران حتماً باید بالاتر از مأموران، و ناهیان بالاتر از منهیان باشند؛ نه، روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرّع نیست. نمی‌شود گفت که خواهش می‌کنم شما این اشتباه را نکنید؛ نه، باید گفت آقا! این اشتباه را نکن؛ چرا اشتباه می‌کنی؟ طرف، هرکسی هست، بنده که طلبه‌ی حقیری هستم، از بنده مهم‌تر هم باشد، او هم مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد.

غیر از تمنّا کردن است

سوال:چند وقتی است که مشکل بدحجابی و ارائه‌ی فرهنگهای غلط در دانشگاهها دغدغه‌ی بسیج این دانشگاهها شده است. اگر قاطعیت را ملازمه‌ی کارمان کنیم، مطرود خواهیم شد. پیشنهاد حضرت‌عالی چیست؟

جواب:قاطعیت یعنی چه؟ یعنی برخورد فیزیکی و جسمانی؟ این‌که درست نیست و ما اصلاً این را توصیه نمی‌کنیم؛ اما گفتن و تذکّر دادن، خوب است. چه اشکال دارد با اخلاقِ خوب تذکّر دهند؟ دیروز حدیثی را برای جمعی می‌خواندم که آمر به معروف و ناهی از منکر باید خودش به آنچه دارد امر و نهی می‌کند، هم عالم باشد و هم عامل. «رَفِیقٌ فِیمَا یَأْمُرُ وَ رَفِیقٌ فِیمَا یَنْهَی»؛ با رفق و مدارا امر و نهی کند. امر و نهی، یعنی دستور دادن -بکن، نکن- غیر از تمنا کردن است؛ اما همین را با رفق، مدارا و محبّت - نه با خشونت - انجام دهد. به نظرم این‌طوری باید عمل شود.

... ...

فصل پنجم: مصادیق معروف و منکر

باید معروف و منکر را بشناسید

البته به شما بگویم عزیزان من! منکر را باید بشناسید. چیزهایی ممکن است به نظر بعضی منکر بیاید؛ در حالی که منکر نباشد. باید معروف و منکر را بشناسید. واقعاً باید بدانید این منکر است.

لزوم یادگیری احکام

بر هر مکلفی واجب است شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم وجوب آن را یاد بگیرد تا مبادا در

امر و نهی خود دچار عمل خلاف و منکر شود.

بزرگترین معروف

بزرگترین نعمت خدا وجود این نظام است و بزرگترین معروف، دفاع از این نظام است. این بزرگترین کاری است که باید انجام گیرد. عدّه‌ای برای مقابله با این نظام کمر بسته‌اند -چه از راه نظریّه‌پردازی و چه از راه تبلیغات سیاسی و موذی‌گری‌های گوناگون- و در نظام خدشه وارد می‌کنند. مسأله آنها، انتقاد به نظام یا به مسؤولان نظام نیست؛ از نظر آنها انتقاد، وسیله‌ای برای نابود کردنِ خودِ نظام است.

بالاترین تخلف

تخلّف‌ها یک اندازه و یک نوع نیست. بالاترین تخلّف‌ها، آن تخلّف‌ها و جرایمی است که پایه‌های نظام را سست می‌کند: نومید کردن مردم، نومید کردن دلهای امیدوار، کج نشان‌دادنِ راه راست، گمراه کردن انسانهای مؤمن و بااخلاص، سوءاستفاده کردن از اوضاع و احوال گوناگون در جامعه اسلامی، کمک کردن به دشمن، مخالفت کردن با احکام اسلامی و تلاش برای به فساد کشاندن نسل مؤمن.

مصداق بزرگ امر به معروف

امام حسین(ع) قیام کرد تا آن واجب بزرگی را که عبارت از تجدید بنای نظام و جامعه‌ی اسلامی، یا قیام در مقابل انحرافات بزرگ در جامعه‌ی اسلامی است، انجام دهد. این از طریق قیام و از طریق امر به معروف و نهی از منکر است؛ بلکه خودش یک مصداق بزرگِ امر به معروف و نهی از منکر است.

مهمترین حوزه

البته امر به معروف و نهی از منکر حوزه‌های گوناگون دارد که باز مهم‌ترینش حوزه‌ی مسؤولان است؛ یعنی شما باید ما را به معروف امر، و از منکر نهی کنید. مردم باید از مسؤولان، کارِ خوب را بخواهند؛ آن هم نه به صورت خواهش و تقاضا؛ بلکه باید از آن‌ها بخواهند. این مهم‌ترین حوزه است. البته فقط این حوزه نیست؛ حوزه‌های گوناگونی وجود دارد.

گناهکار فقط بدحجاب نیست

گناهکار فقط بدحجاب نیست که بعضی فقط به مسأله‌ی بدحجابی چسبیده‌اند. این، یکی از گناهان است و از خیلی از گناهان کوچک‌تر است. خلافهای فراوانی از طرف آدم‌های لاابالی در جامعه وجود دارد؛ خلافهای سیاسی، خلافهای اقتصادی، خلاف در کسب و کار، خلاف در کار اداری، خلافهای فرهنگی. این‌ها همه خلاف است. کسی غیبت می‌کند، کسی دروغ می‌گوید، کسی توطئه می‌کند، کسی مسخره می‌کند، کسی کم‌کاری می‌کند، کسی ناراضی‌تراشی می‌کند، کسی مال مردم را می‌دزدد، کسی آبروی مردم را بر باد می‌دهد. این‌ها همه منکر است.

خودنمایی و جلوه فروشی

وضع حجاب را، وضع عفاف را، وضع تقیّدات و پایبندی را خانم‌ها باید مراقبت کنند؛ این وظیفه است. خودنمایی و جلوه‌فروشی، یک لحظه است و آثار سوء آن برای کشور، برای جامعه، برای اخلاق، حتّی برای سیاست، آثار مخرب و ماندگار است. در حالی که ملاحظه‌ی عفاف، ملاحظه‌ی حدود شرعی در رفتار و حرکات بانوان، اگر چنانچه سختی‌ای داشته باشد، سختیِ کوتاهی است، اما آثارش، آثار عمیق و ماندگاری است. خود خانمها خیلی باید مراقبت کنند مسئله‌ی حجاب را، مسئله‌ی عفاف را؛ وظیفه‌ی آنهاست، افتخار آنهاست، شخصیت آنهاست.

منکرات در خانواده

در محیط خانواده هم می‌شود نهی از منکر کرد. در بعضی از خانواده‌ها حقوق زنان رعایت نمی‌شود؛ در بعضی از خانواده‌ها حقوق جوانان رعایت نمی‌شود؛ در بعضی از خانواده‌ها، بخصوص حقوق کودکان رعایت نمی‌شود. این‌ها را باید به آن‌ها تذکّر داد و از آن‌ها خواست. حقوق کودکان را تضییع کردن، فقط به این هم نیست که انسان به آن‌ها محبّت نکند؛ نه. سوء تربیتها، بی‌اهتمامی‌ها، نرسیدن ها، کمبود عواطف و از این قبیل چیزها هم ظلم به آن‌هاست.

منکرات جامعه

منکراتی که در سطح جامعه وجود دارد و می‌شود از آن‌ها نهی کرد و باید نهی کرد، از جمله این‌هاست: اتلاف منابع عمومی، اتلاف منابع حیاتی، اتلاف برق، اتلاف وسایل سوخت، اتلاف مواد غذایی، اسراف در آب و اسراف در نان. ما این همه ضایعات نان داریم؛ اصلًا این یک منکر است؛ یک منکر دینی است؛ یک منکر اقتصادی و اجتماعی است؛ نهی از این منکر هم لازم است.

منکرات این‌هاست

امروز دست‌هایی تلاش می‌کنند تا فساد را به صورت نامحسوس نه آن طوری که شما در خیابان آن را ببینید و بفهمید و مشاهده کنید به شکلهای گروهکی، ترویج کنند و جوانان را به فساد بکشانند؛ پسرها را به فساد بکشانند؛ مردم را به بی‌اعتنایی بکشانند. منکرات این هاست؛ منکرات اخلاقی، منکرات سیاسی، منکرات اقتصادی.

امر به معروف و نهی از منکر در همه زمینه‌ها

برای جوان، درس خواندن، عبادت کردن، اخلاق نیک، همکاری اجتماعی، ورزش صحیح و معقول و رعایت آداب و عادات پسندیده در زندگی، همه جزء اعمال خوب است. برای یک مرد، برای یک زن و برای یک خانواده، وظایف خوب و کارهای بزرگی وجود دارد. هرکسی را که شما به یکی از این کارهای خوب امر بکنید به او بگویید و از او بخواهید، امر به معروف است. نهی از منکر هم فقط نهی از گناهان شخصی نیست. تا می‌گوییم نهی از منکر، فوراً در ذهن مجسّم می‌شود که اگر یک نفر در خیابان رفتار و لباسش خوب نبود، یکی باید بیاید و او را نهی از منکر کند. فقط این نیست؛ این جزء دهم است. نهی از منکر در همه‌ی زمینه‌های مهم وجود دارد؛ مثلًا کارهایی که افراد توانا دستشان می‌رسد و انجام می‌دهند؛ همین سوءاستفاده‌ی از منابع عمومی؛ همین رفیق‌بازی در مسائل عمومی کشور، در باب واردات، در باب شرکتها و در باب استفاده از منابع تولیدی و غیره؛ همین رعایت رفاقتها از سوی مسؤولان....

فصل ششم: وظیفه مردم

اشاره

وظیفه کسانی که امام حسین(ع)را الگو می‌دانند
باید با پنجه‌افکنی و ناخن‌کشی و حیله‌گری دشمن مقابله کنیم. حرکت و تلاش لازم است؛ هم در جبهه‌ی خودسازی، این مقدّم بر همه است؛ مثل امام حسین (ع) که آقا و مولای شماست؛ هم در جبهه‌ی سیاسیکه آن امر به معروف و حرکت و حضور سیاسی است و در جایی که لازم است، بیان مواضع و تبیین سیاسی در مقابل دنیای استکبار؛ هم در جبهه‌ی فرهنگی، یعنی آدم‌سازی، خودسازی، خودسازی فکری و اشاعه‌ی فکر و فرهنگ. این‌ها وظیفه همه‌ی کسانی است که امام حسین(ع) را الگو می‌دانند.

گفتن به زبان بر همه واجب است

امر به معروف، یـک مرحله‌ی گفتن و یـک مرحله‌ی عمـل دارد. مرحله‌ی عمـل، یعنی اقـدام بـا دست و بـا زور. این مرحله، امروز به عهـده‌ی حکومت است و بایـد بـا اجـازه‌ی حکومت انجـام بگیرد و لاـ غیر. امـا گفتن با زبان، بر همه واجب است و همه بایـد آن را بدون ملاحظه انجام بدهند.

نهی از منکر زبانی واجب و وظیفه همه مردم در همه شرایط

البته این هیچ مجوّزِ آن نیست که کسانی به بهانه‌ی اینکه اطمینانشان سلب شده، قانون‌شکنی کنند. قانون‌شکنی جرم است. تخلّف از قـانون و خروج از مـدار قـانونی برای مقـابله با هر چیزی که به نظر انسان منکر می‌آیـد- بـدون اجازه‌ی حکومت- خودش یـک جرم است؛ مگر نهی از منکر زبانی، که بارها گفتیم نهی از منکر زبانی جایز و واجب و وظیفه‌ی همه است و در هیـچ شـرایطی هم ساقط نمی‌شود؛ امـا آنجـایی که نوبت اجرا و عمل برسـد، همه بایـد طبق قوانین عمل کننـد. هیـچ‌چیزی مجوّز این نیست که بگوینـد چون نیروی انتظامی و قوّه‌ی قضائیّه عمل نکردند، خودمان وارد میدان شدیم؛ نخیر، آن روزی که لازم باشد مردم برای حادثه‌ای خودشان وارد عمل شوند، رهبری صریحاً به آن‌ها خواهد گفت. همه جا، جای نهی از منکر است
همه جا، جای نهی از منکر است. یک دانشـجو هم، در محیط درس می‌توانـد نهی از منکر کنـد. یک کارمند شـریف هم، در محیط کـار خود می‌توانـد نهی از منکر کنـد. یـک کـاسب مؤمن هم، در محیط کار خود می‌توانـد نهی از منکر کنـد. یک هنرمنـد هم، با وسایـل هنری خـود، می‌توانــد نهی از منکر کنـد. روحـانیون در محیطهـای مختلـف، یکی از مهم‌تریـن عوامـل نهی از منکر و امر به معروفنـد. نمی‌شـود ایـن واجـبِ بزرگ الهی را در دایره‌هـای کوچـک، محـدود کرد. کـار هـم کـار همـه است. این‌طـور نیست که مخصوص عدّه خاصی باشد. البته هرکس وظیفه‌ای دارد.

خود مردم باید وارد شوند، خود مردم باید نهی کنند

بعضـی از مردم به اینجا تلفن زدند، نامه نوشتند و سفارش کردند که «آقا! شما گفتید نهی از منکر. سیل پشتیبانی‌ها هم انجام گرفت. اما عملًا کاری نشـد!» عملًا چه کار می‌خواستید بشود؟ مگر لازم است که اینجا هم دولت وارد شود یا دسـتگاه قضایی مسـتقیماً وارد شود؟ خود مردم بایـد وارد شونـد. خود مردم باید نهی کنند. البته دولت، مجلس شورای اسـلامی، دسـتگاه قضایی و نیروی انتظامی، موظفنـد که نـاهی از منکر را پشتیبـانی کننـد. این، وظیفه‌ی آن‌هاست. مباشـر کار، خود مردم می‌تواننـد باشـند و بایـد باشـند. بخش عمـده‌ی قضـیه، اینجـاست. جوان رزمنـده، خـانواده‌ی شـهیدداده، خانواده‌ی ایثارگر، خانواده‌ی اهل انفاق، مؤمنین نمازخوان و روزه بگیر و مسجد برو، دلسوزان انقلاب، روشن‌فکران علاقه‌مند به مفاهیم اسلامی و انقلابی؛ همه‌ی این‌ها باید در صحنه باشند.

منتظر نباشید که دستگاه‌ها بیایند و کاری بکنند

در مقابل این منکرات، عامل بازدارنده، نهی است؛ نهی از منکر. بگویید: «آقا، نکن.» این تکرارِ «نکن» برای طرف مقابل، شکننده است. این نکته‌ی اول؛ که نهی از منکر، اراده و تصمیم و قدرت و شجاعت لازم دارد، که بحمد اللّه، در قشرهای مردم ما و در زن و مرد ما وجود دارد. باید آن را به کار بگیرید. منتظر نباشید که دستگاه‌ها بیایند و کاری بکنند.

پس مسؤولین کجایند که بیایند فساد را از بین ببرند؟!

عوامل بقا را در اسلام مشاهده کنید! یکی از عوامل بقا، همین عاشوراست. یکی از عوامل بقا، امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است که در جامعه، فساد به وجود می‌آید. هیچ اجتماع بشری نیست که در آن، فساد به وجود نیاید. این فساد، چگونه باید برطرف شود؟ بعضی کسان تا چشمشان به مظاهر فساد می‌افتد، می‌گویند «پس مسؤولین کجایند که بیایند فساد را از بین ببرند؟!» غالباً فسادی را که به چشم می‌بینند فریاد برمی‌آورند و سراغ از مسؤولین می‌گیرند.اما آن فسادی که به چشم دیده می‌شود، خیلی کوچک‌تر از فسادهایی است که با چشم ظاهری در کوچه و بازار و خیابان نمی‌شود دید. کسانی که واردند، می‌دانند و می‌فهمند که فسادهای کلان، اغلب از دیده‌ها پنهان است. لذا محیط جامعه باید به گونه‌ای باشد که اگر در آن فسادی پدیدار شد، فرصت رشد پیدا نکند و زود از بین برود. مثل جریانهای عظیم آب. رودخانه‌های عظیم دنیا را مشاهده می‌کنید؟ هرچه در این رودخانه‌ها آلودگی و کثافت بریزند، کمی آن طرف‌تر، تلاطم آب، سر به سنگ کوبیدن آب و حرکت آب، مواد مضر را از بین می‌برد و در عوض، مواد حیاتی تولید می‌کند. محیط جامعه، باید این گونه باشد. باید چنان زلال باشد که اگر کسی قطره‌ی فسادی هم در آن چکاند، خودِ جامعه، آن را هضم کند و از بین ببرد. چگونه امکان‌پذیر است؟ با امر به معروف، با نهی از منکر و با دعوت به خیر.

مهم‌ترین وظیفه

باید خطر را بشناسیم. باید نقاطی را که خطر، از آن نقاط جامعه اسلامی را تهدید می‌کند، درست بشناسیم. آن عبرتهای قضایای صدر اسلام را برای مردم و برای خودمان، باز کنیم. مهم‌ترین وظیفه‌ای که در صراطِ امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، این است که نیروهای مؤمن و آمر به معروف و ناهی از منکر و آن‌هایی که در نظام اسلامی انگیزه دارند، باید در صحنه باشند. همه جا باید حضور داشته باشند. حزب‌اللّهی بودن، یعنی آماده کار بودن برای انجام تکلیف الهی. این، یک ارزش است؛ یک ارزش انقلابی است.

بسیجی باید در وسط میدان باشد

امروز عده‌ای به اسم سازندگی خودشان را غرق در پول و دنیا و ماده‌پرستی می‌کنند. این سازندگی است؟! آنچه که جامعه‌ی ما را فاسد می‌کند، غرق شدن در شهوات است؛ از دست دادن روح تقوا و فداکاری است؛ یعنی همان روحیه‌ای که در بسیجی‌هاست. بسیجی باید در وسط میدان باشد تا فضیلتهای اصلی انقلاب زنده بماند.

چه وقت آحاد یک ملت آمر به معروف و ناهی از منکر می‌شوند؟

امر به معروف فقط این نیست که ما، برای اسقاط تکلیف، دو کلمه بگوییم. آن هم در مقابل منکراتی که معلوم نیست از مهم‌ترین منکرات باشند. وقتی یک جامعه را موظّف می‌کنند که آحادش باید دیگران را به معروف امر و از منکر نهی کنند، این به چه

معناست؟ چه وقت ممکن است آحاد یک ملت آمر به معروف و ناهی از منکر باشند؟ وقتی‌که همه، به معنای واقعی در متن مسائل کشور حضور داشته باشند؛ همه کار داشته باشند به کارهای جامعه؛ همه اهتمام داشته باشند؛ همه آگاه باشند؛ همه معروف‌شناس و منکرشناس باشند. این، به معنای یک نظارت عمومی است؛ یک حضور عمومی است؛ یک همکاری عمومی است؛ یک معرفت بالا در همه است.

حضور برجسته عناصر حزب اللهی

مبادا گمان شود که حزب‌اللّهی، یعنی جوان پرسروصدا و پرهیاهویی که نه سواد درستی دارد، نه معلومات درستی! این‌طور نیست. در میان متخصّصین ما، در میان برگزیدگان ما، در میان مدیران ما، در میان علما و اساتید ما، انسانهای حزب‌اللّهی، زیادند. مفهوم حزب‌اللّهی را در ذهن خودمان، غلط تصوّر نکنیم. در محیطهای مختلف، حضور عناصر حزب‌اللّهی، باید حضور برجسته‌ای باشد. دستگاه‌های اجرایی، اعمّ از دستگاه‌های قضائی یا دستگاه‌های دولتی، باید به طور عملی، این ارزش را در مأموران و کارگزاران خودشان، مورد توجّه قرار دهند. یک دستگاه اداری سالم، چه وقت می‌تواند کارآیی بیشتری داشته باشد؟ وقتی‌که عناصر مؤمن، عناصر خالص، عناصری که به معنای حقیقی کلمه حزب‌اللّهی هستند، در آنجا مؤثّر باشند.

جایگاه قشرهای مختلف در امر به معروف و نهی از منکر

من در پیام تشکّری که منتشر شد، عرض کردم: قشرهای مختلف، باید جایگاه خود را در امر به معروف و نهی از منکر، پیدا کنند. هرکس جایگاهی دارد. کجا باید نهی از منکر کنید؟ شما در مقابل کدام منکر می‌توانید مقاومت کنید و بایستید؟ کدام را می‌شناسید؟ کار، کار مردمی است. البته، علمای دین باید مردم را هدایت و راهنمایی کنند؛ کیفیّت نهی از منکر را بیان کنند و منکر را برای آن‌ها شرح دهند.

وظیفه زنان

اسلام وقتی‌که می‌گوید: «وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ»، یعنی مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه‌ی نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریکند؛ زن را استثناء نکرده. ما هم نمی‌توانیم زن را استثناء کنیم. مسؤولیت اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی بر دوش همه است؛ بر دوش زن، بر دوش مرد؛ هرکدامی به نحوی برحسب توانائی‌های خودشان. ... مهم‌ترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت می‌تواند ایفاء کند، آن نقشی است که به عنوان یک مادر و به عنوان یک همسر می‌تواند ایفاء کند؛ این از همه‌ی کارهای دیگر او مهم‌تر است؛

مفاهیم و تعالیم اسلامی را در فضای محیط کار، احیا کنید

زبان گویا، یعنی اینکه مفاهیم و تعالیم اسلامی را در فضای محیط کار، احیا کنید. طوری شود که در محیط کار، اسلام حس شود. نه مثل دوران طاغوت که انسان وقتی به داخل محیطی می‌رفت، احساس می‌کرد در آن محیط، همه چیز ضد اسلام است. به یک مسلمان و به یک آدم متدین که می‌رسیدند، نگاهها از روی بغض، از روی سردی و از روی بی‌اعتنایی بود. رفتار زنان؛ پوشش زنان؛ برخورد مردان؛ جلف‌گری‌هایی که گاهی بعضی از مردان و زنان می‌کردند؛ همه چیز غیر اسلامی بود. نقطه‌ی مقابل آن، فضای اسلامی است؛ به نحوی که وقتی انسان وارد اداره‌ای می‌شود، نگاه کند ببیند آثار اسلام همه جا پیداست. وقت ظهر می‌شود،

مردم می‌رونـد نماز. مُراجع که می‌آیـد، با او با چهره‌ی بشاش برخورد می‌کنند؛ کارش را انجام می‌دهند و حدود اسـلامی را رعایت می‌کننـد. زنـان با پوشـش مناسب می‌آینـد. مردان و زنان ارتباطات و برخوردشان در داخل اداره، متین و محترمانه است. این محیط، اسلامی است. شما بایدکاری کنیدکه محیط، این‌گونه شود

با عواملی که محیط را از شکل اسلامی خارج می‌کنند، مقابله کنید

با عواملی که محیط را از شکل اسلامی خارج می‌کنند، مقابله کنید. با گفتار، با سخنرانی، با پخش جزوات مناسب، با تذکرات بجا، بـا امر به معروف و نهی از منکر؛ که وظیفه‌ی شـما در داخـل محیط کارهایتان و در همه‌ی جاهاست. با این روشـها، کاری کنیـد که فضا، فضای اسـلامی شود. یعنی هرکس وارد این اداره شـد، وارد این شـرکت دولتی شـد، وارد این کارخانه شد، احساس کند اینجا جای مسلمانان است، و محیط، اسلامی است. این وظیفه‌ی عمده‌ی شماست و همه موظفند در این وظیفه به شما کمک کنند. همه‌ی تشـکیلات؛ بخصوص مدیریتی که شـما با او کار می‌کنید، موظفند در این راه به شـما کمک کنند و کارهای شـما را تسهیل نمایند. امروز، ملتهـای مسـلمان، از جهـت تحقـق و پیـاده کردن اسـلام، چشـمشان بـه ملـت مـاست. امیـدشان به اینجـاست. می‌بینیـد در دنیا مسلمانان چطور امیدوارانه مبارزه می‌کنند؟

رفتار زن و مرد و پوشش زنان در داخل ادارات

من بخصوص تأکید می‌کنم، نسـبت به رفتار زن و مرد و پوشـش زنان در داخل ادارات. بعضی شکوه دارند؛ گله دارند. خانواده‌های شهـدا و زنان مؤمن به ما شـکایت می‌کننـد. به اینجا تلفن می‌کننـد، نامه می‌نویسـند، یا ما را که می‌بیننـد، مکرر می‌گوینـد که رفتار بعضی از زنان جامعه‌ی ما، رفتار مناسب و شایسته‌ی شأن زن مسلمان نیست. با اصلاح این زنانی که در ادارات مشغول کارند، بخش عمده‌ای از این موضوع، اصـلاح می‌شود. این بانوان مسـلمانی که در اداراتند، باید رفتارشان، لباسـشان، زیشان و منشـشان مسـلمانی باشـد؛ و شـما در این زمینه تکلیف و مسؤولیت داریـد. البته با روش اسـلامی؛ با همان شـیوه‌ای که نهی از منکر اسـلامی دارد و نه با روشهای غیر اسلامی و خشونتهای نادرست.

دو تا فحش هم به خاطر خدا بخورید

من همین امر به معروف و نهی از منکر زبانی را – ولو به شـکل خیلی راحت و آرام و بـدون هیچ خشونت و دعوایی – واقعاً یکی از معجزات اسـلام می‌دانم. مثلاً یک نفر کار خلافی می‌کنـد، می‌گوینـد آقا شـما این کار را نبایـد می‌کردی. این مطلب را بگو و برو. می‌گوید او برمی‌گردد دو تا فحش به من می‌دهد. خیلی خوب؛ حالا دو تا فحش هم به شـما بدهد؛ برای خاطر امر خدا تحمّل کنید. اگر نفر دوم هم بگویـد آقـا شـما بایـد این کـار را نمی‌کردی؛ بدانیـد اگر دعوا هم بکنـد، دعوایش کمتر از آنی است که با نفر اوّل کرده است. نفر سـوم و نفر دهم و نفر بیسـتم هم همین‌طور. بنـابراین، اگر نهی از منکر بـاب شـد و تـا نفر بیسـتم رسـید، شـما خیـال می‌کنید آن آدم دیگر آن کار را تکرار خواهد کرد؟

چرا از گفتن ابا می‌کنید؟

چرا کسانی از گفتن ابا می‌کننـد؟ یک عـده بر اثر ضـعف نفس از گفتن ابا می‌کننـد، یک عده هم خیال می‌کنند که گفتن فایده‌ای ندارد؛ باید با دست جلو بروند! نه، زبان از دست خیلی مهم‌تر است.

ضعف نفس، خجالت و ترس

بزرگترین حربه در مقابل گناهکار، گفتن و تکرار کردن است. اینکه یک نفر بگوید اما ده نفر ساکت بنشینند و تماشا کنند، نمی‌شود. اگر یکی دچار ضعف نفس بشود، یکی خجالت بکشد و یکی بترسد، اینکه نهی از منکر نخواهد شد.

مهمترین حوزه

البته امر به معروف و نهی از منکر حوزه‌های گوناگون دارد که باز مهم‌ترینش حوزه‌ی مسؤولان است؛ یعنی شما باید ما را به معروف امر، و از منکر نهی کنید. مردم باید از مسؤولان، کارِ خوب را بخواهند؛ آن هم نه به صورت خواهش و تقاضا؛ بلکه باید از آن‌ها بخواهند. این مهم‌ترین حوزه است. البته فقط این حوزه نیست؛ حوزه‌های گوناگونی وجود دارد.

ظالمان عالم از چنین خصوصیتی نگرانند

مسلمانان خصوصیتی دارند که می‌توانند اراده‌ی خود را در حرکت عالم مؤثّر کنند. به خاطر چه؟به خاطر احکام نورانی اسلام؛ بلکه به خاطر روحیّات و خلقیّاتی که اسلام به مسلمانان می‌دهد؛ مثل ظلم‌ستیزی و کنار نیامدن با بدی و فساد، مثل امر به معروف و نهی از منکر و جهاد فی سبیل الله، که جهاد فی سبیل الله میدان گسترده و عرض عریضی دارد و مخصوص صحنه‌ی نبرد رویاروی جسمانی نیست، بلکه جهاد داخل خانه‌ها هم ممکن است و همه جا انسان می‌تواند با دشمن خدا جهاد کند؛ اگر اراده داشته باشد و اگر بداند باید چه کار کند. این، مجموعه‌ی احکام اسلامی است. این، جهاد و امر به معروف و عدم کنار آمدن با بدی و فساد و تحمّل نکردن ظلم است: «لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُون». مجموع این احکام و معارف موجب شده است مسلمان به طور طبیعی در هرجای دنیا که هست- چه به صورت یک ملت و چه از یک ملت کوچک‌تر، تا یک فرد- به برکت این احکام قادرباشد اراده‌ی خود را در اداره‌ی جهان و محیط خودش مؤثّر سازد. این، خصوصیت مسلمان است. استعمارگران از چنین خصوصیتی ناراحتند. ظالمان عالم از چنین خصوصیتی نگرانند.روزی که اروپایی‌ها سوار کشتی‌ها شدند و آمدند کشورهای منطقه‌ی آسیا و آفریقا و خاورمیانه و بقیّه‌ی جاها را تصرف کردند، از این روحیّه‌ی مسلمانان می‌ترسیدند. برای اینکه مسلمان بی‌خطر شود، دو کار باید با او بکنند: یکی اینکه او را از احکام اسلامی دور کنند و دوم اینکه روحیه‌ی او را بشکنند و تحقیرش کنند.

فراموش نکنید

دشمنان می‌خواهند بین دولت و ملت و مسؤولین و آحاد مردم، جدایی ایجاد کنند. باید در جهت عکس آن حرکت کرد. آنان می‌خواهند که مردم از اسلام و هدف‌های انقلاب، فاصله بگیرند. پس، این چیزی است که به ضرر ملت ماست و باید این فاصله را کم کنند و هرچه بیشتر در جهت اسلام و انقلاب حرکت کنند.بر همین اساس، من تأکید می‌کنم که جوانان عزیز و مؤمن، آحاد مردم زن و مرد مسلمان امر به معروف و نهی از منکر را که دو فریضه‌ی الهی و جزو ارزشهایی است که می‌تواند در این جهت، برای ملت ما وسیله‌ی بسیار مفید و مؤثّر و پیش‌برنده‌ای باشد، فراموش نکنند....

فصل هفتم: وظیفه مسؤولانa

به کار بستن امر به معروف و نهی از منکر در ادارات

امروز باید جلوه‌های درخشان تحول بزرگ کشور و مردم ما به وضوح در هر گوشه نظام اداری مشهود و عیان گردد و با به کار بستن امر به معروف و نهی از منکر، شیوه ها و رفتارهای درخور تحسین و تشویق رواج یابد و ضمناً با خطاکاران، سهل انگاران و

اقدام کنندگان علیه منافع نظام جمهوری اسلامی و حقوق مردم، صریح و قاطع برخورد شود. حساسیت و سنگینی مسؤولیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری نیز در تشخیص درست همین موازین و اجرای دقیق آن‌ها نهفته است.

نظام اسلامی پشتیبان ناهی از منکر

روزی بود که اگر کسی کار خلافی مرتکب می‌شد و دیگری به او اعتراض می‌کرد، نظام حاکم آن اعتراض را می‌کوبید. ما دیده بودیم که اگر گناهی انجام می‌گرفت، گناهکار تشویق می‌گردید؛ اما معترضِ به گناه کوبیده می‌شد! امروز، به عکس است. امروز، نه اینکه گناه در جامعه نیست؛ هست. زمان حکومت امیرالمؤمنین(ع) هم در جامعه گناه بود؛ اما مهم این است که نظام و تشکیلات حاکم بر جامعه- آن کسانی که اداره و مدیریت کشور را بر عهده دارند- میل به طرف صلاح دارند و با گناه و تخلف مخالفند.

مامورین رسمی باید از آمر و ناهی شرعی دفاع کنند

به من نامه می‌نویسند؛ بعضی هم تلفن می‌کنند و می‌گویند: «ما نهی از منکر می‌کنیم. اما مأمورین رسمی، طرف ما را نمی‌گیرند. طرف مقابل را می‌گیرند!» من عرض می‌کنم که مأمورین رسمی چه مأمورین انتظامی و چه مأمورین قضائی حق ندارند از مجرم دفاع کنند. باید از آمر و ناهی شرعی دفاع کنند. همه‌ی دستگاه حکومت ما باید از آمر به معروف و ناهی از منکر دفاع کند. این، وظیفه است. اگر کسی نماز بخواند و کس دیگری به نمازگزار حمله کند، دستگاه‌های ما از کدامیک باید دفاع کنند؟ از نمازگزار یا از آن کسی که سجاده را از زیر پای نمازگزار می‌کشد؟ امر به معروف و نهی از منکر نیز همین‌طور است. امر به معروف هم مثل نماز، واجب است. ... مگر مأمورین و مسؤولین ما می‌توانند آمر به معروف و ناهی از منکر را با دیگران مساوی قرار دهند؛ چه رسد به اینکه نقطه‌ی مقابل او را تأیید کنند!؟

پشتبانی از ناهی از منکر

دولت، مجلس شورای اسلامی، دستگاه قضائی و نیروی انتظامی، موظفند که ناهی از منکر را پشتیبانی کنند. این، وظیفه‌ی آن‌هاست.

زمینه را برای اجرای این واجب الهی هموار کنیم

ما به آحاد ملت عزیز عرض کردیم؛ و گفتیم امر به معروف و نهی از منکر، این واجب الهی را برپا بدارید. در بین جوانان در سرتاسر کشور، شور و غوغایی به وجود آمد. پس، پیداست که این جوانان متمایل به امر به معروف و نهی از منکرند. بنابراین، وظیفه‌ی ما، مسؤولین، قانون‌گذاران و مجریان است که راه و زمینه را برای اجرای این واجب الهی هموار و فراهم کنیم. امروز بحمد اللّه مجلس شورای اسلامی، مجریان، مسؤولین کشور و دستگاه قضائی، همه از خود این ملتند.

مبادا کسانی باشند که راه را جلو آمر به معروف و ناهی از منکر سد کنند!

مبادا در گوشه و کنار، یا در دستگاه انتظامی یا قضائی، کسانی باشند که راه را جلو آمر به معروف و ناهی از منکر سد کنند! مبادا کسانی باشند که اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کرد، از او حمایت نکنند، بلکه از مجرم حمایت کنند! البته خبرهایی از گوشه و کنار کشور، در بعضی از موارد به گوش من می‌رسد. هرجا که بدانم و احساس کنم و خبر اطمینان‌بخشی پیدا کنم که آمر به معروف و ناهی از منکر، خدای نکرده مورد جفای مأمور و مسؤولی قرار گرفته، خودم وارد قضیه خواهم شد.

... ...

فصل هشتم: هشدارها

اسلامی که پیغمبر نیاورد

دشمن می‌خواهد آن روح اسلامی، آن احکام زنده اسلام و آن نیروی حیاتی اسلام در میان مسلمانان نباشد. البته آن‌ها با یک عدّه مسلمانِ مرده بی‌اطّلاع از مبانی عالیه اسلام، و لو عامل به ظواهر مختصری از اسلام هم باشند، چندان کاری ندارند؛ دشمنی هم با آن ندارند. اما اینکه اسلام نیست! اسلامی اسلام است که پیغمبر آورد و قرآن فرمود که «کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ]تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ[...» آن اسلام نیست که عدّه‌ای بنشینند و تماشاگر حوادث عالم، یا تماشاگر مسائل درون جامعه خودشان باشند. مسلمانان بیدار، مسلمانان آگاه، مسلمانانی که نیروی خودشان را برای بنای عالم، به شکل صحیح به کار می‌گیرند و مسلمانانی که از هیچ مانعی نمی‌ترسند؛ این اسلام و این‌گونه مسلمانان مورد حداکثر بغض استکبار جهانی‌اند. .... این است که بنده موضوع امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کردم. موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است.

جوامع جوان، مراکز هدف دشمن

امر به معروف و نهی از منکر را اقامه کنید؛ نگذارید در جوامع جوان چه در مدرسه‌ها، و چه در دانشگاهها کار به فساد بکشد. این مراکز برای دشمن هدف است. بدانید که نسل جوان این جامعه و این ایران اسلامی زنده است؛ دشمن هم این را بداند. با بودن شما جوانان مؤمن، حجت بر ما تمام است.

واعِظٌ مِن نَفسِه

اساس برنامه‌ی تربیتی و همه‌ی برنامه‌های زندگی در اسلام، همین موارد است. هرکس باید واعظ خود باشد، خود را مراقبت کند، از تخطّی خود مانع شود، امر به معروف و نهی از منکر هم بکند که آن امرِ خود به معروف و نهیِ خود از منکر و موعظه کردنِ خود، بر امر و نهی و موعظه‌ی دیگران مقدّم است. این، همان تقوای الهی است که از ما خواسته‌اند. تقوا را مراقبت کنیم و به یکدیگر توصیه نماییم. نمی‌گویم خودمان که کاملًا اصلاح شدیم، بعد به اصلاح مردم بپردازیم
باید درون خودمان را اصلاح کنیم. اصلاحِ دائمی جزو وظائف دائمی ماست. درون را چه جوری اصلاح کنیم؟ اول از خودمان شروع کنیم. بنده، شخص حقیرِ مذنبِ عاصی از خودم شروع کنم. دیگران هم همین جور. اول رابطه‌ی خودمان را با خدای متعال درست کنیم، اصلاح کنیم و به آنچه که خدای متعال از ما سؤال خواهد کرد، بیندیشیم: « وَ اسْتَعْمِلْنِی بِمَا تَسْأَلُنِی غَداً عَنْه ». این، از جمله‌ی چیزهائی است که باید دائم در ذهن ما باشد. نمی‌گویم خودمان که کاملًا اصلاح شدیم، بعد به اصلاح مردم بپردازیم- که حالاـ ممکن است این به این آسانی‌ها هم به دست نیاید- وقتی شروع به اصلاح خود کردیم، آن وقت اصلاح جامعه هم برای ما آسان خواهد شد. و او- اصلاح جامعه- آسان‌تر از اصلاح نفس است.

عدم دل بستگی به دنیا مقدمه دفاع از فضیلت‌ها

دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط فرهنگ فساد و فحشا سعی می‌کند جوانهای ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی، بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی»، یک «غارت فرهنگی» و یک«قتل عام فرهنگی» است. امروز

دشمن این کار را با ما می‌کند. چه کسی می‌تواند از این فضیلتها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و می‌تواند بایستد و از فضیلتها دفاع کند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی‌تواند از فضیلتها دفاع کند! این جوان بااخلاص می‌تواند دفاع کند. این جوان، از انقلاب، از اسلام، از فضایل و ارزشهای اسلامی می‌تواند دفاع کند. لذا، چندی پیش گفتم: «همه امر به معروف و نهی از منکر کنند» الآن هم عرض می‌کنم: نهی از منکر کنید.

وظیفه‌ی اول، حفظ نظام است

البته تحقق آرزوهای اسلامی، کار ده سال و بیست سال نیست؛ تحقق آرزوهای اسلامی، کار بلندمدت است و باید به تدریج انجام بگیرد و همه‌ی عوامل دست به دست هم بدهند. ..... معلوم است که آرزوهای اسلامی در مدت کوتاه تحقق پیدا نمی‌کند؛ معلوم است که در اینجا و آنجا تخلفی پیدا می‌شود؛ معلوم است که همه‌ی دستگاه‌ها هنوز با نوای اسلامی حرکت نمی‌کنند؛ در این تردیدی نیست؛ غیر از این هم انتظاری نیست. اگر شما به صدر اسلام هم نگاه کنید، می‌بینید حتّی زمانی که نَفَس مطهر پیامبر(ص) هم به مردم می‌خورد، این‌طور نبود که همه‌ی مردم یکشبه مسلمان بشوند و همه‌ی کارها در مدت کوتاهی اصلاح بشود. اصلاح کلی و عمومی، حرکت بلندمدت لازم دارد، که آن هم به عهده‌ی همه است؛ و از جمله‌ی این همه، ما معممان و روحانیون هستیم که بیشترین تکلیف به عهده‌ی ماست. پس وظیفه‌ی اول، حفظ نظام است. هیچ‌کس نمی‌تواند به اتکای اینکه فلان‌جا فلان تخلف شده، حرکتی انجام بدهد یا حرفی بزند که این نظام اسلامی را تضعیف کند. البته برای اصلاح مفاسد، همه باید از طرق معقول خودش کار کنند. امر به معروف و نهی از منکر یک واجب اسلامی است و باید در میان مردم رایج بشود.

جوان حزب اللهی باید باهوش باشد

البته جوان حزب‌اللهی هم باید باهوش باشد. باید چشمهایش را باز کند و نگذارد کسی در صفوف او رخنه کند و به نام امر به معروف و نهی از منکر، فسادی ایجاد نماید که چهره‌ی حزب اللّه را خراب کند. باید مواظب باشید. این، به عهده‌ی خودتان است. من یقین دارم و تجربه‌های این چند سال هم نشان داده تا نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی برای انجام کاری به میدان می‌آیند، یک عده عناصر بدلی و دروغین، با نام این‌ها در گوشه‌ای فسادی ایجاد می‌کنند تا ذهن مسؤولین را نسبت به نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی و مردمی چرکین کنند. مواظب باشید.

دایره امر به معروف و نهی از منکر

اگر ما امر به معروف را در یک دایره محدود، آن هم به وسیله افراد معلومی، زندانی کنیم، دشمن هم در تبلیغات خودش بنا می‌کند سمپاشی کردن؛ که در ایران بناست از این به بعد، نسبت به زن‌های بدحجاب، این‌طور عمل شود! این واجبِ به این عظمت را، که قوام همه چیز به آن است، بیاورند در دایره‌ای محدود، در خیابانهای تهران؛ آن هم نسبت به چند نفر زنی که وضع حجابشان مثلًا درست نیست. این است معنای امر به معروف؟! این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه‌های گوناگون جامعه؟! قضیه، بالاتر از این حرفهاست.

شکل کامل و جامع امر به معروف

اینجا یک کلمه درباره امر به معروف و نهی از منکر و در تفسیر این دو کلمه بگویم. ای برادران و خواهران مسلمان! امر به معروف فقط آن نیست که تو به زبان و خودت به تنهایی به کسی بگویی نکن! اینیک نمونه کوچک از نهی از منکر است. امر به معروف و

نهی از منکر در شکل کامل و جامعش عبارت است از اینکه جامعه اسلامی کمر به ریشه کن ساختن بدی‌ها ببندد. کمر به برقراری خوبی‌ها و نیکی‌ها و فضیلت‌ها ببندد و امروز همه بدی‌های ما خلاصه می‌شود در باقیمانده‌های اسارت فکری و مادی ما در دست قدرت‌های بزرگ. باید همه ملت یکپارچه، همه دست به دست هم داده، یک صدا و یک گام حرکت کنند تا این وابستگی‌هایی را که هنوز ما به فرهنگ غلط گذشته داریم ببریم و بگسلیم و کوشش کنیم که ندا و پیام انسانی خود را به همه جا بگسترانیم.

طرد نکردن دیگران به بهانه عیوبشان

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ يَوْماً: «لَا تَطْعُنُوا فِي عُيُوبِ مَنْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ بِمَوَدَّتِهِ» یک کسی است، با شما اظهار دوستی می‌کند، به سمت شما می‌آید و اظهار علاقه‌ای به شما می‌کند. دست رد به سینه او نزنید با ذکر عیوبی که شما در او مشاهده می‌کنید. این خیلی دستور مهم و بزرگ و عمومی‌ای است. یک کسی می‌آید پیش ما اظهار علاقه به ما می‌کند، ما فوراً برویم سراغ آن اشکالاتی که در او وجود دارد و روی آنها تکیه کنیم و طعن بر آنها بزنیم. می‌فرمایند مضمون این حدیث این است که محبت کسی را که به شما اظهار محبت می‌کند قبول کنید، محبت او را بپذیرد. ولو حالا یک عیبی هم در او سراغ دارید، لزومی ندارد که طعن در آن عیب بکنید و این را موجب این قرار دهید که دست رد به سینه او بزنید.

«وَ لَا تُوقِفُوهُ عَلَى سَيِّئَةٍ يَخْضَعُ لَهَا» اگر کار خلافی دارد، گناهی دارد، عیبی دارد، لازم نیست او را به خاطر این عیب طرد کنید، رد کنید، متوقف کنید. یعنی جلوی او را بگیرید. با نهی از منکر منافاتی ندارد. منافاتی ندارد با «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي».با این منافاتی ندارد. لکن رشته پیوند محبت را حفظ کنید. بعد البته انسان برای نهی از منکر یا برای اهدای عیوب دوستش و مرآة بودن برای مؤمن فرصت‌هایی دارد و می‌تواند از این فرصت‌ها استفاده کند و این کار را انجام دهد. اما این جور نباشد که به مجرد اینکهیک ایرادی را در او سراغ دارید،یک عیبی را در او سراغ دارید، این موجب بشود که شما محبت او را و خود او را طرد کنید و قبول نکنید. اینیکی از آن شاه‌بیت‌های برخورد در روابط اجتماعی است.

بعد فرمود: «فَإِنَّهَا لَيْسَتْ مِنْ أَخْلَاقِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ لَا مِنْ أَخْلَاقِ أَوْلِيَائِهِ» این جزو اخلاق و رفتار پیغمبر و اولیائش نیست. یعنی آن‌ها کسانی را که می‌آمدند سراغشان، عیوبی هم داشتند، اشکالاتی داشتند، دست رد به سینه آنها نمی‌زدند. جذبشان می‌کردند. نگهشان می‌داشتند. البته در اصلاح آن‌ها هم می‌کوشیدند، امر به معروف هم می‌کردند، نهی از منکر هم می‌کردند. اینیک قاعده کلی است که به اندک بهانه‌ای افرادی را طرد کردن و رد کردن و آن‌ها را از مرز دوستی خود خارج کردن، این مخالف با آن چیزی است که در این حدیث به ما دستور داده شده.

مواظب باشید کسانی از این واجب الهی، سوءاستفاده نکنند

مواظب باشید کسانی از این واجب الهی، سوءاستفاده نکنند. حساب صاف کردنها، به خرده حسابهای گذشته رسیدن، پرده‌دری، آبروریزی، تعرض به نوامیس و عرض و مال این و آن به بهانه‌ی این واجب الهی، این‌ها نباید باشد. مردم باید هوشیار باشند. مردم همواره و در همه‌ی قضایا تیزهوشند. تیزهوشی مردم است که خیلی از اوقات دستگاه‌ها را متوجه قضایای گوناگون می‌کند. در همین قضایای رذالتها و موذی گریهای ضد انقلاب و گروهکها از روز اول تا امروز، غالباً مردم بودند که کمک کردند، مباشرت کردند، تیزبینی کردند، دقت به خرج دادند، چیزی را دیدند و اقدامی را انجام دادند و مسؤولین را هم هدایت کردند. اینجا نیز همان‌طور است. خود مردم، با تیزهوشی نباید بگذارند این واجب الهی و این فریضه‌ی بزرگ زمین بماند، یا خدای ناکرده مورد سوءاستفاده قرار گیرد.

امر به معروف، خوب است، اما

بحمد اللّه ملت ما بر دشمنانش فائق آمده است. ملت ما تا امروز، زبون دشمن نشده است؛ لیکن به‌هرحال دشمنی، اثر دارد. با این دشمنیها، کدام کشور است که هیچ مشکلی نداشته باشد؟ نباید مشکلات را بزرگ کرد. نباید در زمینه‌های گوناگون، درشت‌نمایی کرد. البته تذکّر، خوب است؛ امر به معروف، خوب است؛ نصیحت، خوب است؛ اما با خیرخواهی، با روش عقلایی، بدون اینکه موجب تضعیف یک مجموعه‌ی خدمتگزار شود.

امر به معروف و نهی از منکر در همه زمینه ها

در مسأله‌ی امر به معروف و نهی از منکر، فقط نهی از منکر نیست؛ امر به معروف و کارهای نیک هم هست. برای جوان، درس خواندن، عبادت کردن، اخلاق نیک، همکاری اجتماعی، ورزش صحیح و معقول و رعایت آداب و عادات پسندیده در زندگی، همه جزء اعمال خوب است. برای یک مرد، برای یک زن و برای یک خانواده، وظایف خوب و کارهای بزرگی وجود دارد. هرکسی را که شما به یکی از این کارهای خوب امر بکنید به او بگویید و از او بخواهید، امر به معروف است. نهی از منکر هم فقط نهی از گناهان شخصی نیست. تا می‌گوییم نهی از منکر، فوراً در ذهن مجسّم می‌شود که اگر یک نفر در خیابان رفتار و لباسش خوب نبود، یکی باید بیاید و او را نهی از منکر کند. فقط این نیست؛ این جزء دهم است.
نهی از منکر در همه‌ی زمینه‌های مهم وجود دارد؛ مثلًا کارهایی که افراد توانا دستشان می‌رسد و انجام می‌دهند؛ همین سوءاستفاده‌ی از منابع عمومی؛ همین رفیق‌بازی در مسائل عمومی کشور، در باب واردات، در باب شرکتها و در باب استفاده از منابع تولیدی و غیره؛ همین رعایت رفاقتها از سوی مسؤولان.

تفاوت افشا کردن بدی و نهی از منکر

« وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سَتْرِ الْعَائِبَةِ »؛ درباره‌ی اشخاص، نقاط مثبت را، نقاط خوب را افشاء کنیم، منتشر کنیم. از کسی، از مسؤولی کار خوبی سراغ دارید، این را بیان کنید و بگوئید. نقطه‌ی مقابل: اگر چنانچه نقطه‌ی منفی‌ای سراغ دارید، این را افشاء نکنید. افشاء نکردن معنایش این نیست که نهی از منکر نکنید؛ چرا، به خود آن کسی که به کارش اشکالی وارد است و باید ایراد گرفته شود، گفته بشود؛ اما افشاء کردن این چیزها مصلحت نیست.

گناه نابخشودنی

دیگر آنکه در نظام اسلامی، اگرچه رسم و سنت انتقاد و نصیحت مشفقانه به مسؤولین، یکی از مواهب الهی و مفاخر اسلامی و مایه‌ی رشد و ارتقاء و پیشرفت امور و مصداق بارز فریضه‌ی امر به معروف است و باید در جامعه بماند و توسعه و کیفیت بیابد، ولی مخلوط کردن این کار مستحسن و لازم با اشاعه‌ی روحیه‌ی بدبینی و سوءظن به کارگزاران اصلی کشور و بدگویی از آنان که به تضعیف روحیه، یا تضعیف جایگاه آنان بینجامد، خطایی بزرگ و خیانت‌آمیز خواهد بود. اگر کسانی با گفتن و نوشتن یا رفتار متعمدانه‌ی خود، بذر شک و تردید نسبت به مسؤولان بلندپایه‌ی کشور را در دلها بیفشانند و فضا و افق را تیره و یأس‌آور جلوه دهند، با هیچ توجیه و بیانی نمی‌توان آن‌ها را خدمتگزار و خیرخواه به حساب آورد. این کار در کشور ما که از نظامی اسلامی و انقلابی، و مسؤولانی کاملًا مردمی، و ملتی بااخلاص و فداکار، و صمیمیتی بی‌نظیر میان مردم و مسؤولان، و استعداد و ظرفیتی درخشان برای کار و پیشرفت، و حیثیتی برجسته در جهان و میان ملتهای عالم برخوردار است، بی‌شک ضربه به آینده‌ی کشور و

خیانت به آرمان‌های انقلاب محسوب می‌شود و گناهی نابخشودنی است.

ناسپاسی

شما دوستان ارجمند که اکنون همت به ترویج این فریضه گماشته‌اید، کار بزرگِ خود را چنان‌که شایسته‌ی این فریضه است، پاس بدارید و با همه‌جانبه‌نگری در این کار، زبان بدگویان و ذهنِ بی‌خبران را از فروافتادن در ورطه‌ی ناسپاسی از این عملِ اصلاحی بزرگ، نجات بخشید.

پشتوانه‌ی واجبات پرخطر

نماز است که مایه‌های لازم ایثار و گذشت و توکل و تعبد را که پشتوانه‌ی حتمی واجبات پرخطر و دشوار همچون جهاد و نهی از منکر و زکات است، در روح آدمی پدید می‌آورد و او را شجاعانه بدان میدان‌ها گسیل می‌دارد. هنگامی که به خاطر هجوم دشمن، فریضه‌ی جهاد اهمیّت می‌یابد، یا بر اثر دشواری زندگی قشرهایی از مردم، فریضه‌ی زکات و انفاق، همه را مخاطب می‌سازد، یا به اقتضای تلاش دشمن در عرصه‌ی فرهنگ و اخلاق، امر به معروف و نهی از منکر واجب همگانی می‌شود، در همه‌ی این شرائط، نماز، نه فقط از شأن «خیرالعملی» فرونمی‌افتد، بلکه به مثابه‌ی پشتوانه‌ی روحی و معنوی همه‌ی مجاهدتها و ایثارها و خطرپذیری‌ها، بر اهمیّت آن افزوده می‌شود.

... ...

فصل نهم: احکام واستفتائات

اشاره

در این قسمت، بخشی از احکام و استفتائات مبتلا به امر به معروف و نهی از منکر آورده شده است. فلذا برای دسترسی به تمامی احکام،مقلدین مقام معظم رهبری«دام ظله» می‌توانند به کتب أجوبة الاستفتائات، استفتائات جدیدو رساله آموزشی مراجعه کنند؛ و در مسائلی که علم به اختلاف فتوا ندارند، می‌توانند به رساله حضرت امام «قدس سره» مراجعه نموده یا به صورت کتبی یا شفاهی و یا از طریق اینترنت از دفتر مقام معظم رهبری«دام‌ظله»استفتا نمایند.

وجوب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات و فرایض بسیار مهم و بزرگ اسلامی به شمار می‌رود و افرادی که این فریضه بزرگ الهی را ترک می‌کنندیا در برابر آن بی‌تفاوتند گناه‌کار خواهند بود و کیفری سخت و سنگین در انتظار آنهاست. امر به معروف و نهی از منکر نه تنها به اتفاق فقهای اسلام واجب است، بلکه اصل وجوب آن جزو ضروریات دین مبین اسلام به شمار می‌آید. (رساله آموزشی، ج ۱، ص ۳۲۹)

بر هر مکلفی واجب است شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم وجوب آن را یاد بگیرد، تا مبادا در امر و نهی خود دچار عمل خلاف و منکر شود. (اجوبة الاستفتاءات، س ۱۰۷۴)

آداب امر به معروف و نهی از منکر

برای آمر به معروف و ناهی از منکر سزاوار است که در امر و نهی و مراتب آن چون طبیبی باشد که با مهربانی بیمار خود را معالجه می‌کند و چون پدری دلسوز باشد که همواره مصلحت فرزندش را رعایت می‌کند و نهیش لطف و رحمتی خاص برای گناه‌کار و لطف و رحمتی عام برای مردم باشد و نیت خود را برای رضای خدای عزوجل خالص کند و این کار خود را از شائبه‌های هوای نفس و اظهار علو پاک کند و خود را شخصی منزه و برتر از گناه‌کار نبیند. چه بسا گناه‌کار، حتی اگر گناهش از گناهان بزرگ باشد، صفات نفسانی‌ای داشته باشد که خدای تعالی او را به واسطه آن صفات دوست می‌دارد، هرچند که از عمل او خشمگین است و چه بسا خود آمر به معروف و ناهی از منکر برعکس این است (یعنی در باطن دلش صفات بسیار نکوهیده‌ای دارد که مورد خشم خدا است) و اگر چه خودش خبر نداشته باشد.(تحریر الوسیله امام خمینی(ره)، مسأله ۱۴)

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

علم به معروف و منکر

شرط اولِ امر به معروف و نهی از منکر، علم به معروف و منکر است.یعنی امر و نهی کننده باید معروف و منکر را بشناسد و در غیر این صورت موظف نیست امر به معروف و نهی از منکر کند، بلکه نباید چنین کاری بکند؛ زیرا ممکن است در اثر جهل و نادانی امر به منکر و نهی از معروف کند. بنابراین نهی از منکر کردن کسی که نمی‌دانیم کارش حرام است یا نه (مثلاً ـ معلوم نیست موسیقی‌ای که گوش می‌دهد از نوع مبتذل و حرام آن است یا حلال)، واجب بلکه جایز نیست. (اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۵۷ و ۱۰۵۹ و ۱۰۶۷)

اگر مسأله مورد اختلاف نباشد و احتمال دهد که مرتکب جاهل به حکم است، ظاهراً امر به معروف ونهی از منکر او واجب است، مخصوصا اگر اوجاهل مقصر باشد. و نزدیکتر به احتیاط آنست که اول او را به حکم مسئله ارشاد کند سپس اگر باز هم ادامه می‌دهد آن‌وقت او را امر و نهی کند، مخصوصا اگر او جاهل قاصر باشد.(تحریر الوسیله امام خمینی،شرط اول مسأله ۳)

اگر فاعل، جاهل به موضوع باشد،امر و نهی و بر طرف کردن جهل او واجب نیست.(تحریر الوسیله امام خمینی، شرط اول مسأله ۴)

احتمال تأثیر

شرط دومِ امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است.یعنی امر و نهی کننده باید احتمال بدهد که امر و نهی او اثر و نتیجه‌ای ولو در آینده دارد. (اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۵۷)

بعضی گفته‌اند که باید احتمال تأثیر وجود داشته باشد. من می‌گویم احتمال تأثیر همه جا قطعی است؛ مگر در نزد حکومتهای قلدر، قدرتمندان و سلاطین. آن‌هایند که البته حرف حساب به گوششان فرونمی‌رود و اثر نمی‌کند؛ اما برای مردم چرا. برای مردم، حرف اثر دارد. (۲۲/۰۲/۱۳۷۷/جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشگاه تهران)

اگر بداند که امر به معروفش و یا نهی از منکرش نسبت به طرف که معروف را ترک کرده و یا منکر را مرتکب شده هیچ اثری ندارد، ولی نسبت به شخص دیگری که او نیز انجام داده اثر می‌گذارد به شرطی که خطاب را متوجه شخص او نکند بلکه متوجه مرتکب اول کند، واجب است به منظور تأثیر در دیگری، شخص مرتکب و یا تارک معروف اول را نهی از منکر ویا امر به معروف کند. (تحریر الوسیله امام خمینی،شرط دوم مسأله ۹)

اگر بداند که فلان شخص معین امر و نهیش درطرف مؤثر است نه امر و نهی خودش، واجب است به آن شخص امر کند که او طرف راامر به معروف و نهی از منکر کند، البته در صورتی که بداند که وی با وجود شرائط تکلیف اهمال کرده است.(تحریر

الوسیله امام خمینی،شرط دوم مسأله ۱۰)

اصرار بر گناه

شرط سوم امر به معروف و نهی از منکر، اصرار بر گناه است.یعنی باید شخص گناهکار براستمرار گناه اصرار و سماجت داشته باشد و چنانچه معلوم شود که وی بدون اینکه امر و نهی شود خود از خطا دست بر می‌دارد یعنی معروف را به جا می‌آورد و منکر را ترک می‌کند، امر و نهی او واجب نیست. (اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۵۷)

پس‌اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی‌کند واجب نیست.(رساله امام خمینی، مسأله ۲۷۹۱)

نداشتن مفسده مهم‌تر

شرط چهارم امر به معروف ونهی از منکر، نداشتن مفسده است.یعنی باید امر و نهی مفسده نداشته باشد، بدین ترتیب اگر امر و نهی موجب شود به شخص امر و نهی کننده و یا به مسلمان دیگر مفسده‌ای از قبیل ضرر جانی و یا آبرویی و یا مالی برسد، دراین جا امر و نهی واجب نیست. البتهمکلف موظف است ملاحظه اهمیت را بکند.یعنی باید در تمام معروف و منکرها بین مفسده امر و نهی و مفسده ترک امر و نهی مقایسه کند و سپس به آنچه مهم‌تر است عمل نماید.(اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۵۷)

کسی که می‌ترسد در صورت اقدام به امر به معروف و نهی از منکر در مورد کسی که دارای نفوذ و موقعیت اجتماعی خاصی است از ناحیه او ضرر قابل توجهی ببیند، واجب نیست او را امر و نهی کند به شرطی که منشأ ترسش، عقلایی باشد. ولی سزاوار نیست کسی به صرف ملاحظه مقام کسی که واجب را ترک کرده و یا مرتکب فعل حرام شده و یا به صرف احتمال وارد شدن ضرر کمی از طرف او، تذکر و موعظه به برادر مؤمن خود را ترک کند. به هر حال رعایت اهم و مهم لازم است. (اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۵۹ و ۱۰۶۱)

اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس به آن اهمیّت زیاد می‌دهد مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن مجید و حفظ عقاید مسلمانان یا احکام ضروریه، باید ملاحظه اهمیّت شود و مجرد ضرر، موجب واجب نبودن نمی‌شود، پس اگر توقف داشته باشد حفظ عقاید مسلمانان یا حفظ احکام ضروریه اسلام بر بذل جان و مال، واجب است بذل آن.(رساله امام خمینی،مسأله ۲۷۹۲)

مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر

رعایت مراحل و مراتب امر به معروف و نهی از منکر واجب است.یعنی تا به مرحله‌ی پایین‌تر مقصود حاصل می‌شود نباید وارد مرحله بالاتر شد.(رساله آموزشی، ج ۱، ص ۳۳۵)

امر و نهی قلبی

مرحله اول امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی قلبییا امر و نهی با قلب است. مقصود از امر و نهی قلبی،اظهار رضایتیا کراهت قلبی است یعنی مکلف باید رضایت قلبی خود را نسبت به معروف و تنفر و انزجار درونی خود را نسبت به منکر آشکار سازد و از این راه فردی که معروفی را ترک می‌کند و یا منکری را به جامی‌آورد را به انجام معروف و ترک منکر وادار سازد. (رساله آموزشی، ج ۱، ص ۳۳۵)

امر و نهی قلبی (اظهار رضایت و تنفر) درجاتی دارد که تا با پایین‌ترین درجه و سبک‌ترین راه می‌توان امر و نهی کرد و به مقصود دست یافت نباید متوسل به درجه‌ی بالاتر شد. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از

آن‌ها عبارتند از: با تبسم و لبخند و روی گشاده برخورد کردن، چشمفرو بستن، خیره شدن، به روی دست زدن، دندان به لب گرفتن، با دست یا سر اشاره کردن، سلام نکردن، روگرداندن، پشت کردن، صحبت را قطع کردن، قهر و ترک معاشرت کردن.(رساله آموزشی، ج ۱، ص ۳۳۵)

امر و نهی لسانی

مرحله دومِ امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی لسانی (زبانی) یا امر و نهی با زبان است. مقصود از امر و نهی زبانی این است که مکلف باید با گفتن از طرف بخواهد از منکر دست بردارد و معروف را انجام دهد. (رساله آموزشی، ج ۱، ص ۳۳۶)

امر و نهی لسانی، درجاتی دارد که تا با پایین‌ترین درجه و آرام‌ترین لحن می‌توان به مقصود رسید، نباید اقدام به درجه‌ی بالاتر کرد. این درجات بر حسب شدت و ضعف و بر حسب انواعی که دارند بسیارند. برخی از آن‌ها عبارتند از: ارشاد کردن، تذکر دادن، موعظه کردن، پند و اندرز دادن، مصالح و مفاسد و سود و زیان‌ها را بر شمردن، بحث و مناظره کردن، استدلالی سخن گفتن، با غلظت و درشتی حرف زدن، با تهدید صحبت کردن.(رساله آموزشی، ج ۱، ص ۳۳۶)

اگر در بعضی از مراتب نهی زبانی (مرحله دوم) اهانت و ایذاء کمتری هست نسبت به آنچه در مرحله اول گفتیم و غرض با همان حاصل می‌شود، واجب است به همان مقدار اکتفا شود و وظایف مرحله اول را انجام ندهد. مثلا اگر فرض شود موعظه و ارشاد با بیان نرم و روی گشاده مؤثر و یا محتمل التأثیر است و کمتر از اعراض وقهر کردن و امثال آن طرف را آزار می‌دهد، نباید از این نهی زبانی که مرحله دوم است تجاوز نموده به اعراض که مرحله اول است تمسک بجوید. اشخاص چه امر کنندگان و چه امر شوندگان از نظر اخلاق و احوال بسیار مختلفند، بسیاری هستند که اعراض و قهر کردنشان طرف را بیشتر آزار می‌دهد و برای او سنگین‌تر واهانت آمیزتر است، تا امر به معروف و نهی از منکر زبانی. بنابراین بر امر کننده ونهی کننده لازم است رعایت مراتب و اشخاص را بنماید و وظیفه خود را به آسانتر و آسانترین راه انجام دهد. (تحریر الوسیله امام خمینی(ره)، مسأله ۶)

امر و نهی عملی

مرحله سومِ امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی با دست (کنایه از اعمال قدرت و به کار بردن جبر و زور) است. مقصود از امر و نهی عملی این است که مکلف باید با اعمال قدرت و به کار بردن جبر و زور، طرف را از انجام منکر و ترک معروف باز دارد.(رساله آموزشی، ج ۱، ص ۳۳۶)

با توجه به این که در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می‌توان مراتب بعد از مرحله‌ی امر و نهی زبانی را به نیروهای امنیتی داخل (پلیس) و قوه‌ی قضاییه واگذار کرد، به خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی (قلبی و) زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسؤولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضاییه ارجاع دهند، ولی در شرایط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آن‌ها تا تحقق غرض انجام دهند.(رساله آموزشی، ج ۱، ص ۳۳۶)

اگر مأمورانی که از طرف دولت وظیفه‌ی جلوگیری از فساد را بر عهده دارند در انجام وظیفه‌ی خود کوتاهی کنند، دخالت اشخاص دیگر در اموری که از وظایف نیروهای امنیتی و قضایی محسوب می‌شود جایز نیست، ولی مبادرت مردم به امر به معروف و نهی از منکر با رعایت حدود و شرایط آن، اشکال ندارد. (اجوبة الاستفتاءات، س ۱۰۶۳)

عامل بودن شرط نیست

در امر به معروف و نهی از منکر شرط نیست که امر و نهی کننده به آنچه امر می‌کند عمل نماید و از آنچه نهی می‌کند اجتناب ورزد.یعنی امر و نهی بر شخص گناه‌کار هم واجب است و او نمی‌تواند به عذر این که گناه می‌کند خود را از این وظیفه بزرگ تبرئه سازد. (این که در منابع دینی از افرادی که خود عمل نمی‌کنند و دیگران را به عمل وامی‌دارند و یا خود گناه می‌کنند و دیگران را از گناه باز می‌دارند مذمت و نکوهش بسیار شده برای این است که چرا خود عمل به وظیفه نکرده‌اند، نه برای این که چرا امر و نهی کرده‌اند). (رساله آموزشی،ج۱،ص۳۳۲)

وظیفه کسی که قادر به انجام امر به معروف و نهی از منکر نیست

اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود نداشته باشد تکلیفی نخواهند داشت، مثلا اگر خوف داشته باشند که در صورت مبادرت به این فریضه، ضرری از طرف مسؤولین بالاتر متوجه آنان می‌شود تکلیف از آن‌ها ساقط می‌شود. البته این حکم در مواردی است که حکومت اسلامی حاکم نباشد، ولی با وجود حکومت اسلامی که اهتمام به اجرای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر دارد بر کسی که قادر بر این فریضه نیست واجب است که نهادهای ذیربط را که از طرف حکومت برای این کار اختصاص یافته‌اند مطلع نمایند و تا کنده شدن ریشه‌های فاسد که فسادآور هم هستند موضوع را پیگیری کند. (اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۸۲)

راه‌های غیر قانونی برای جلوگیری از فساد

وظیفه اشخاصی که از تخلفات قانونی مطلع می‌شوند، نهی از منکر با رعایت شرائط و ضوابط شرعی آن است، و توسل به رشوه و راههای غیرقانونی برای هر عملی هر چند به منظور جلوگیری از فساد، جایز نیست. البته، با فرض وقوع چنین عملِ خلافِ شرع و قانون در کشوری که نظام اسلامی بر آن حاکم است، وظیفه مردم به مجرد عجز شخصی از امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی‌شود، بلکه واجب است که به نهادهای مربوط اطلاع داده و موضوع را پیگیری نمایند. (اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۸۳)

نهی از منکر در دانشگاه

سؤال:گاهی مشاهده می‌کنیم که دانشجوی دانشگاهی و یا کارمندی مرتکب فعل حرام می‌شود، حتی بعد از تذکرات و راهنمائی های مکرر هم از کار خود دست برنمی‌دارد، بلکه بر انجام کارهای زشت که باعث ایجاد جو فاسد در دانشگاه است، اصرار می ورزد، نظر شریف جنابعالی درباره اِعمال بعضی از مجازاتهای اداری مؤثر مثل ثبت در پرونده آنها چیست؟

جواب:با مراعات نظام داخلی دانشگاه اشکال ندارد، و بر جوانان عزیز لازم است که مسأله امر به معروف و نهی از منکر را جدی گرفته و شرائط و احکام شرعی آن را به دقت بیاموزند و این اصل را عام و فراگیر نموده و روش های اخلاقی و مؤثر را برای تشویق فعل معروف و جلوگیری از ارتکاب محرمات به کار بگیرند، و از استفاده از آن برای اغراض شخصی باید خودداری نمایند و بدانند که این راه بهترین و مؤثرترین روش برای ترویج کار خیر و جلوگیری از شرّ است. خداوند شما را به آنچه رضای او در آن است، موفق بدارد.(اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۷۴)

وظیفه مردم و علما در برابر منکرات دولتها

اگر بدعتی در اسلام واقع شود، مثل منکراتی که دولتها اجرا می‌کنند به اسم دین مبین اسلام، واجب است خصوصاً بر علمای اسلام اظهار حق و انکار باطل و اگر سکوت علمای اعلام موجب هتک مقام علم و موجب اسائه ظن به علمای اسلام شود،اظهار حق به هر

نحوی که ممکن است واجب است،اگر چه بدانند تأثیر نمی‌کند. (توضیح المسائل امام خمینی(ره)، مسأله ۲۷۹۳)

نظر به نامحرم برای امر به معروف

سؤال:بعضی از برادران برای امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت و ارشاد به مکان‌هائی می‌روند که ممکن است زنان بی حجاب در آنجا حضور داشته باشند، آیا از آنجا که برای امر به معروف به آنجا رفته‌اند، نگاه کردن به زن‌های بی حجاب برای آنان جایز است؟

جواب:نگاهِ اول اگر بدون قصد باشد، اشکال ندارد، ولی نگاه عمدی به غیر از صورت و دست ها تا مچ جایز نیست، هر چند به قصد امر به معروف باشد.(اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۸۶)

نهی از منکر متوقف بر نگاه با ریبه به زن نامحرم نیست

سؤال:امر و نهی زنانی که حجاب کامل ندارند، چه حکمی دارد، و در صورتی که انسان هنگام نهی زبانی از تحریک شهوت خود بترسد، چه حکمی دارد؟

جواب:نهی از منکر متوقف بر نگاه با ریبه به زن نامحرم نیست، و بر هر مکلفی واجب است که از حرام اجتناب کند، بخصوص زمانی که مبادرت به انجام فریضه نهی از منکر می‌کند.(اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۶۸)

وظیفه جوانان مؤمن

سؤال: وظیفه جوانان مؤمن در دانشگاههای مختلط در برابر مفاسدی که در بعضی از آن مکانها مشاهده می‌کنند، چیست؟

جواب:بر آنان واجب است که ضمن دوری جستن از ابتلا به مفاسد، در صورت تمکّن و تحقق شرائط امر به معروف و نهی از منکر مبادرت به انجام این فریضه کنند.(اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۸۷)

آبروی شخصی که منکر را انجام داده

سؤال: اگر امر به معروف و نهی از منکر مستلزم بی آبروئی کسی که واجب را ترک کرده و یا فعل حرام را به جا آورده باشد، و موجب کاسته شدن احترام او در برابر مردم گردد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر در امر به معروف و نهی از منکر، شرائط و آداب آن رعایت شود و از حدود آن تجاوز نشود، اشکال ندارد.(اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۵۳) مجرد بودن آمر به معروف و ناهی از منکر

سؤال:اگر در بعضی از محیطهای دانشگاهی معروف ترک شود و معصیت رواج پیدا کند و شرائط امر به معروف و نهی از منکر هم وجود داشته باشد و امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر شخصی مجرّد باشد که هنوز ازدواج نکرده است آیا به خاطر مجرّد بودن، امر به معروف و نهی از منکر از او ساقط می‌شود یا خیر؟

جواب: اگر موضوع و شرائط امر به معروف و نهی از منکر محقق باشد، تکلیف شرعی و وظیفه واجب اجتماعی و انسانی همه مکلفین است، و حالت های مختلف مکلّف مانند مجرّد یا متأهل بودن در آن تأثیر ندارد، و به صرف اینکه مکلّف مجرد است، تکلیف از او ساقط نمی‌شود.(اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۶۰)

اگر نهی از منکر موجب بد بینی به دین شود؟

سؤال:گاهی در اثنای امر به معروف و نهی از منکر مواردی پیش می‌آید که شخص گناهگار بر اثر عدم آگاهی از واجبات و احکام اسلامی، با نهی از منکر، نسبت به اسلام بدبین می‌شود، و اگر هم او را به حال خود رها کنیم، زمینه فساد و ارتکاب گناه توسط

دیگران را فراهم می‌کند، تکلیف ما در این مواردچیست؟
جواب:امر به معروف و نهی از منکر بـا رعـایت شـرائط آن یـک تکلیف شـرعی عمومی برای حفـظ احکام اسلام و سلامت جامعه است، و مجرّد توهم اینکه موجب بدبینی فاعل منکر یا بعضـی از مردم نسبت به اسلام می‌گردد، باعث نمی‌شود که این وظیفه بسیار مهم ترک شود.(اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۶۲)

موسیقی در ماشین

کسـی که با رانندگانی مواجه می‌شود که از نوارهای موسـیقی غنا و حرام استفاده می‌کنند وظیفه دارد با تحقق شرایط نهی از منکر، نهی از منکر کنـد، منتهـا بر او بیشـتر از نهی از منکر زبـانی واجب نیست و در صـورتی که مؤثر واقع نشود واجب است که از گوش دادن به غنا و موسـیقی حرام اجتناب کنـد و اگر به طورغیر ارادی صدای موسـیقی حرام و غنا به گوش او برسد چیزی بر او نیست. (اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۶۵)

اقوام و آشنایان معصیت کار

هر گاه یکی از اقوام انسان مبادرت به ارتکاب معصـیت کنـد و نسب به آن لاابالی باشـد، بایـد از اعمال خلاف شـرع وی اظهار تنفر کرد و او را به هر روش برادرانه‌ای که مفیـد و مؤثر است پنـد و انـدرز داد، ولی قطع رحمجـایز نیست. بلی چنانچه احتمال داده شود که ترک معاشـرت بـا او موقتاً موجب خودداری او از ارتکاب معصـیت می‌شود، به عنوان امر به معروف و نهی از منکر واجب است. (اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۵۸ و ۱۰۷۱)

تقلید و ترویج فرهنگ غربی

پوشـیدن طلاـ یـا آویختنـآن به گردن بر مردان مطلقاً حرام است، و پوشـیدن لباس‌هایی که از نظر دوخت یا رنگ یا غیر آن تقلیـد و ترویـج فرهنـگ مهـاجم غیر مسـلمانان در نظر عرف محسوب می‌شود، جایز نیست، همچنین اسـتفاده از زیور آلاتی که اسـتعمال آن تقلید از فرهنگ تهاجمی دشـمنان اسلام و مسلمین محسوب شود، جایز نیست و بر دیگران واجب است که در برابر این گونه مظاهر فرهنگی تقلیدی از بیگانگان مبادرت بهنهی از منکر زبانی کنند. (اجوبهٔ الاستفتاءات، س ۱۰۷۳)

ماهواره

سؤال:در همسـایگی مـا شخصـی دارای دسـتگاه مـاهواره است. اگر امر به معروف به صورت گفتار و به نرمی باعث شود ما متضـرر شویم و یا احتمال این را بدهیم که در آنها اثری نداشته باشد. آیا وظیفه ما این است که به نیروی انتظامی اطلاع دهیم؟
جواب: اگر از ماهواره استفاده‌ی حرام می شود و با اعلام به نیروی انتظامی جلوی استفاده حرام گرفته خواهد شد. اعلام، از مصادیق نهی از منکر است و لازم می شود.(استفتائات جدید)

...

منابع

۲۲/ ۰۴/ ۱۳۷۱/ فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)
۱۰/۰۳/۱۳۶۹/ پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)

۰۷/ ۰۵/ ۱۳۷۱/ مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

۰۷/ ۰۵/ ۱۳۷۱/ مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

۲۹/ ۰۷/ ۱۳۷۱/ دیدار با قشرهای مختلف مردم

۱۴/۱۲/۱۳۷۰/ جمعی از روحانیون، ائمه‌ی جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان

۰۱/۱۱/۱۳۷۱/ مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید مبعث

۰۵/۱۰/۱۳۷۴/فرماندهان، مسؤولان و پرسنل سپاه پاسداران و نیروی انتظامی و جمعی از جانبازان

۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۰۵/۰۲/۱۳۵۹

۱۰/۰۳/۱۳۶۹/ پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)

۱۴/۰۷/۱۳۷۹ / جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه

۲۶/۰۲/۱۳۷۵/ بیانات در دیدار روحانیون و مبلّغان

۱۹/۱۰/۱۳۶۸/ دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، سالروز قیام مردم قم

۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۲۲/ ۰۴/ ۱۳۷۱/ فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

۱۹/۱۰/۱۳۶۸/ دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، سالروز قیام مردم قم

۱۹/۰۴/ ۱۳۷۹/ دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران

۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۲۳/۰۸/۱۳۷۹/ پیام به نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر

۲۲/۰۴/۱۳۷۱/ فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

۱۸/۲/۱۳۶۶ / نماز جمعه

۲۲/۰۲/۱۳۷۷/ پرسش و پاسخ دانشگاه تهران

۰۴/۱۲/۱۳۷۷/ پرسش و پاسخ مدیران مسؤول و سر دبیران نشریات دانشجویی

۱۹/۱۰/۱۳۶۸/ دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، سالروز قیام مردم قم

۲۳/۰۸/۱۳۷۹/ پیام به نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر

۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۰۴/۱۲/۱۳۷۷/ پرسش و پاسخ مدیران مسؤول و سر دبیران نشریات دانشجویی

۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۱۴/۰۶/۱۳۷۲/ بیانات در دیدار کارگزاران نظام

۰۱/۱۲/۱۳۷۴/ بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر

۲۴/۰۹/۱۳۷۵ بیانات در دیدار جمعی از پاسداران

۲۴/۰۹/۱۳۷۵ بیانات در دیدار جمعی از پاسداران

۲۶/۰۲/۱۳۷۵/ بیانات در دیدار روحانیون و مبلّغان

۲۳/۰۸/۱۳۷۹/ پیام به نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر

۱۹/۰۴/ ۱۳۷۹/ دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران

۲۳/۰۸/۱۳۷۹/ پیام به نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر

۲۲/۰۲/۱۳۷۷/ پرسش و پاسخ دانشگاه تهران

۲۶/۰۲/ ۱۳۷۵/ روحانیون و مبلغان، در آستانه‌ی«ماه محرم»

۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۲۳/۰۱/ ۱۳۷۸/ علما و روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه محرم‌الحرام

۱۹/۰۷/۱۳۹۱ / علما و روحانیون خراسان شمالی

۱۵/ ۰۸/۱۳۷۰/ گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه

۱۵/ ۰۸/۱۳۷۰/ گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه

۲۲/ ۰۴/ ۱۳۷۱/ فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

۲۹/ ۰۷/ ۱۳۷۱ / دیدار با قشرهای مختلف مردم

۲۹/ ۰۷/ ۱۳۷۱ / دیدار با قشرهای مختلف مردم

۲۲/۰۲/۱۳۷۷/ پرسش و پاسخ دانشگاه تهران

۲۲/۰۲/۱۳۷۷/ پرسش و پاسخ دانشگاه تهران

۰۴/۱۲/۱۳۷۷/ پرسش و پاسخ مدیران مسؤول و سر دبیران نشریات دانشجویی

۱۹/۰۴/ ۱۳۷۹/ دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران

۲۲/۰۲/ ۱۳۸۲/ پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی

۲۲/۰۲/۱۳۷۷/ پرسش و پاسخ دانشگاه تهران

أجوبة الاستفتاءات، سؤال ۱۰۷۴

۱۵/۰۶/۱۳۸۰/ دیدار با اعضای مجلس خبرگان

۰۷/ ۰۵/ ۱۳۷۱/ مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

۱۹/۰۳/۱۳۷۴/ بیانات در خطبه‌های نمازجمعه

۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۲۹/ ۰۷/ ۱۳۷۱ / دیدار با قشرهای مختلف مردم

۲۳/۰۲/۱۳۹۱/ جمعی از مداحان سراسر کشور

۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۰۷/ ۰۵/ ۱۳۷۱/ مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

۲۵/۰۹/۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۲۴/۰۹/۱۳۷۵/ بیانات در دیدار جمعی از پاسداران

۱۹/۱۰/۱۳۶۸/ دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، سالروز قیام مردم قم

۱۱/۰۵ /۱۳۸۰/پس از مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی

۰۷/ ۰۵/ ۱۳۷۱/ مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

۲۹/ ۰۷/ ۱۳۷۱ / دیدار با قشرهای مختلف مردم

۲۹/ ۰۷/ ۱۳۷۱ / دیدار با قشرهای مختلف مردم

۲۶/۰۲/ ۱۳۷۵/ روحانیون و مبلغان، در آستانه‌ی«ماه محرم»

۰۷/ ۰۵/ ۱۳۷۱/ مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

۲۲/ ۰۴/ ۱۳۷۱/ فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

۰۷/ ۰۵/ ۱۳۷۱/ مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

۰۷/ ۰۵/ ۱۳۷۱/ مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

۰۷/ ۰۵/ ۱۳۷۱/ مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

۱۳/۰۴/۱۳۸۶/ گروه کثیری از زنان نخبه در آستانه‌ی روز میلاد حضرت زهرای اطهر

۰۴/۰۶/۱۳۷۱/ اعضای انجمنهای اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستانهای سراسر کشور

۰۴/۰۶/۱۳۷۱/ اعضای انجمنهای اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستانهای سراسر کشور

۰۴/۰۶/۱۳۷۱/ اعضای انجمنهای اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستانهای سراسر کشور

۰۴/۱۲/۱۳۷۷/ پرسش و پاسخ مدیران مسؤول و سر دبیران نشریات دانشجویی

۱۵/ ۰۸/۱۳۷۰/ گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه

۲۹/ ۰۷/ ۱۳۷۱ / دیدار با قشرهای مختلف مردم

۲۵/ ۰۹/ ۱۳۷۹/ خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۱۶/۰۳/ ۱۳۷۵/ اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)

۰۱/۰۱/ ۱۳۷۲/پیام به مناسبت حلول سال نو

۰۸/۰۳/۱۳۶۸/ پیام به گردهمائی اعضای هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری سراسر کشور

۱۹/۱۰/۱۳۶۸/ دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، سالروز قیام مردم قم

۲۲/ ۰۴/۱۳۷۱/ فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

۲۹/۰۷/۱۳۷۱ / دیدار با قشرهای مختلف مردم

۲۹/۰۷/۱۳۷۱ / دیدار با قشرهای مختلف مردم

۲۹/ ۰۷/ ۱۳۷۱ / دیدار با قشرهای مختلف مردم

۰۷/۰۵/۱۳۷۱ / دیدار با علما و روحانیون

۱۵/ ۰۸/۱۳۷۰/ گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه

۱۲/ ۰۱/ ۱۳۷۴/ خطبه‌های نماز عید فطر

۲۵/ ۰۶/ ۱۳۸۹ /بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری

۲۲/۰۴/۱۳۷۱/ فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

۱۴/۱۲/۱۳۷۰/ جمعی از روحانیون، ائمه‌ی جماعات و وعاظ نقاط مختلف کشور در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان

۲۲/۰۴/۱۳۷۱/ فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع)

۰۷/ ۰۵/ ۱۳۷۱/ مقام معظم رهبری در دیدار با علما و روحانیان

۰۵/۰۲/۱۳۵۹

۲۸/۰۶/۱۳۹۲/شرح حدیث اخلاقی، درس خارج فقه

۲۹/ ۰۷/ ۱۳۷۱ / دیدار با قشرهای مختلف مردم

۲۷/۰۱/ ۱۳۷۷/ با مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید غدیر

۲۵/۰۹/ ۱۳۷۹/در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

۱۶/۰۵/۱۳۹۰/ بیانات در دیدار مسؤولان نظام جمهوری اسلامی ایران

۱۳/۰۳/ ۱۳۷۰/پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)

۲۳/۰۸/۱۳۷۹/ پیام به نخستین اجلاس پژوهشی امر به معروف و نهی از منکر

۰۷/۰۷/۱۳۷۶ پیام به هفتمن اجلاس سراسری نماز

مراکز فروش

آدرس ناشر: تهران، خیابان حافظ، پایین تر از طالقانی، خیابان رشت، پلاک ۶۷

شماره تلفن: ۶۶۹۷۷۵۸۰-۰۲۱

مرکز پخش: ۶۶۹۷۷۵۸۰-۰۲۱ (پنج خط)

چاپ و پخش عمده برای سازمان‌ها و ادارات: ۰۹۱۲۵۰۸۶۸۴۴

تهران، خ انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، بین فخر رازی و دانشگاه،کنار بانک ملت، کیهان، ۶۶۴۰۳۴۷۹

تهران، خ انقلاب، خ قدس، خ پورسینا، پلاک ۲۱، کافه کراسه، ۸۸۹۷۵۴۸۵

تهران، م فلسطین، جنب مسجد امام صادق ع، من و کتاب، ۶۶۴۰۷۱۳۲

تهران، خیابان آیت الله طالقانی، تقاطع خیابان شهید مفتح، خانه کتاب ۵۷، ۹-۸۸۳۸۱۵۶۸

تهران، خیابان انقلاب، چهارراه کالج، جنب بانک ملت، پاتوق کتاب ۸۸۹۱۱۲۱۲

قم، خیابان صفائیه، روبروی دفتر مقام معظم رهبری، ۷۷۳۵۴۵۱

مشهد، چهارراه راه آهن، بلوار شهید کامیاب، نبش کامیاب ۷، موسسه فرهنگی بچه های آفتاب، ۷۳۱۸۲۰۰

مشهد، میدان تلویزیون، پشت پمپ گاز، فرهنگسرای پایداری، فروشگاه پایداری، موسسه فرهنگینرم‌افزاری‌روایت، ۲۲۱۴۸۹۹

اصفهان، خیابان عسگریه، جنب سه راه گلستان، روبروی نانوایی، پلاک ۲۱۶، کافه کتاب، ۰۹۱۳۲۰۰۲۶۷۴

اصفهان، میدان احمدآباد، خیابان سروش، نبش کوچه شماره ۷، طبقه اول پاساژ، پاتوق فرهنگی آسمان، ۲۲۹۰۱۱۱

اصفهان، میدان آزادی، دانشگاه اصفهان، ساختمان نهاد رهبری، فروشگاه پرسمان، ۷۹۳۲۵۹۰

اصفهان، خیابان فروغی، کوی امیرکبیر، فرعی دوم سمت راست، پلاک ۸، انبار فدک، ۲۲۰۵۴۸۵

تبریز، خ امام خمینی(ره)، روبروی تربیت، فروشگاه شهید شفیع زاده، آرمانشهر، ۰۹۱۴۸۸۶۳۲۰۶

اهواز، خیابان خوانساری، بین نادری و کافی، جنب داروخانه مفید، رسانه بیداری، ۲۲۱۱۷۲۵

شیراز، میدان امام حسین، پل باغ صفا، خ آزادی، کوچه ۲۲، پلاک ۷۲، پلاک هشت، ۲۲۶۳۱۳۹

شیراز، خیابان انقلاب اسلامی، کوچه ۱۱، پلاک ۲۵، ساختمان فرهنگ و اندیشه، قدر، ۲۳۳۱۷۱۲

یزد، خیابان کاشانی ، کوچه آزادی، جنب حوزه هنری،کتاب آسمان،۶۲۳۸۴۷۶

کرمان، خ چمران، روبروی کوچه ۹، میعاد حقیقت، ۲۲۵۱۳۵۴

رشت، میدان صیغلان، ابتدای خیابان شریعتی شرق، بعد از پاساژ دیلمان، فروشگاه کتاب میثاق، ۳۲۶۰۴۱۶

فارس، فسا، ضلع غربی میدان مصلی، جنب سر در اصلی مصلی، فروشگاه جبهه کتاب، ۳۳۴۵۳۰۰

بوشهر، شغاب، کوچه دریای ۸، منزل حاج عباس خدری، پلاک ۳، کتاب باران،۲۵۳۶۰۱۸

شاهرود، خ تهران، روبروی کلانتری ۱۳، کافه کتاب،۰۹۱۹۱۷۴۰۹۴۱

اراک، خیابان عباس آباد، چهارراه هلال احمر، روبروی بانک تجارت، کتابستان اراک، کتاب سرو،۲۲۲۷۱۱۹

کاشان، خیابان ۲۲ بهمن، روبروی شرکت نفت، موسسه فرهنگی بهشت،۴۴۵۷۵۷۷

سبزوار،خ اسرار شمالی، روبروی بانک مهر ایران، آسمان،۲۲۲۲۵۹۶

شهرکرد، خ سعدی، کوچه ۶۷، نبش فرعی اول،کوله بار،۳۳۴۳۵۳۲

آبادان، خیابان امیرکبیر، جنب بانک سپه مرکزی، پاساژ ادریسی، کتابفروشی کاف،کلبه ادب و فرهنگ،۲۲۳۱۹۹۷

دزفول، خ.امام خمینی شمالی، بالاتر از حرم سبز قبا، کوچه شهدا،روبروی مسجد لب خندق، وارثین، ۲۲۵۴۵۵۶

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».